

در میزگرد تخصصی «طبیعت ایران» مطرح شد احیا و توسعه جنگل‌های ایران، قسمت دوم، نقد و بررسی برنامه‌های گذشته و چشم‌انداز آینده

مبانی و مباحث نظری احیا و توسعه جنگل در شماره ۳۶ نشریه طبیعت ایران مطرح شد. همچنین، به قسمتی از چالش‌ها و نقاط ضعف برنامه‌های احیا و توسعه در سال‌های گذشته و موضوعاتی مثل ضرورت احیا و توسعه جنگل‌ها، تصمیم‌های غیرکارشناسی مسئولان کشور در مورد احیا و توسعه، توسعه بی‌رویه و بی‌توجهی به توسعه پایدار، بی‌توجهی به مدیریت اکوسیستمی، مشکلات اجرایی و مقطعی بودن برنامه‌ها، تغییر برنامه‌ها با تغییر مدیران و نبود اراده ملی برای احیا و توسعه جنگل‌ها اشاره شد. در این شماره به برنامه‌های جاری و چشم‌انداز برنامه احیا و توسعه جنگل‌های ایران با توجه به شروع برنامه هفتم توسعه و موضوع کاشت یک میلیارد نهال در ۴ سال خواهیم پرداخت. برنامه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور و توصیه و برنامه بخش پژوهش برای احیا و توسعه جنگل‌های کشور در این گفت‌وگو بررسی خواهد شد. در این جلسه از حضور آقایان دکتر نقی شعبانیان، دکتر کامران پورمقدم، دکتر عادل جلیلی و دکتر مهدی پورهاشمی بهره بردیم و با ایشان به گفت‌وگو نشستیم.

طبیعت ایران:

جناب آقای دکتر جلیلی، با توجه به اینکه جناب عالی در جلسه گذشته نیز حضور داشتید، به‌طور خلاصه نقاط ضعف برنامه‌های احیا و توسعه جنگل را در برنامه‌های پیشین بیان کنید. چگونه می‌توان در برنامه هفتم این نقاط ضعف توسعه جنگل را پوشش داد؟ چگونه باید برنامه‌ای تدوین و اجرا کرد تا موفق‌تر از گذشته بتوان، سطوح جنگل‌های کشور را افزایش داد؟



دکتر عادل جلیلی



دکتر کامران پورمقدم



دکتر مهدی پورهاشمی



دکتر نقی شعبانیان



جناب آقای دکتر عادل جلیلی (عضو محترم هیئت علمی بخش تحقیقات گیاهشناسی و رئیس سابق مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور) در این جلسه می‌خواهیم، موضوع احیا و توسعه در کشور را به نقد و بررسی بگذاریم تا نقاط قوت و ضعف آن مشخص و چشم‌انداز جدیدی در این زمینه مطرح شود. مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور و سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور تجربیات خوب و برنامه‌های خاصی در این ارتباط داشته و دارند، همچنین، می‌توان نقد و تحلیلی هم روی فعالیت‌های آنها داشت. سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور مسئول احیا و توسعه جنگل‌های کشور در سه محور مورد توجه است. طی زمانی که در مسند معاون پژوهشی، رئیس و عضو

هیئت علمی مؤسسه بودم، موضوع جنگل را پیگیری کردم. سه محوری را که می‌توان نقد کرد عبارت است از:

اولین محور

ما، از گذشته تاکنون، در موضوع احیا و توسعه جنگل، دنبال یک نگاه کلان و ملی نبودیم. به‌عنوان مثال، سطح جنگل‌های کشور ۵/۷ درصد مساحت کل کشور است، آیا می‌توانیم آن را به ده درصد افزایش دهیم؟ بیشتر به شکل موضعی، یا موضوعی کار کردیم. کار کردن به این شکل هم دارای نقاط قوت و هم نقاط ضعف است. این مدل از کار کردن، باعث به‌دست آوردن تجربیات ارزشمندی شد. در اینجا به نمونه‌هایی که گاهی، از پیش از انقلاب اسلامی شروع شده و تا هم‌اکنون نیز ادامه داشته است، اشاره می‌کنم، جنگل‌کاری برای تثبیت تپه‌های شنی، به‌عنوان تجربه‌ای موفق در داخل ایران، در سطح جهانی و منطقه‌ای نیز قابل ارائه بود و کارکرد موفق داشت، ایران جزو معدود کشورهای موفق در این خصوص بوده است، کارهایی که سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، در ایجاد پارک‌های جنگلی، در اطراف کلان‌شهرهایی نظیر تهران انجام داد. بنده به‌واسطه پایان‌نامه‌های دانشجویی که داشتم، همچنین پژوهش‌های خودم، مطالعاتی داشتم، ایجاد پارک‌های جنگلی در اطراف کلان‌شهرها، یکی از موفق‌ترین کارهایی بوده است که سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور انجام داد. در ارتباط با جنگل‌کاری، احیا و توسعه جنگل‌های طبیعی، کارهای زیادی انجام شده است، هرچند پراکنده و با اهداف مختلفی بوده و

چشم‌انداز روشنی نداشته است. نگاه ما، در جنگل‌های شمال، بیشتر روی طرح‌های جنگل‌داری با نگاه بهره‌برداری بود، مثلاً برای اینکه عرصه‌های تخریب‌شده جنگل در معرض تجاوز قرار نگیرند، فنس‌کشی می‌شد، یا حتی سوزنی‌برگان در عرصه پهن‌برگان کاشته می‌شدند که عجیب به نظر می‌رسد. از جمله کارهای موفق دیگری که باید به آن اشاره کنم، شرکت‌های نیمه‌دولتی در شفارود (استان گیلان) است که کارهای زراعت چوب را انجام می‌دادند و جزو کارهای گسترده و موفق بوده است. با مقایسه فعالیت‌های اجراشده در جنگل‌ها مشخص می‌شود، شرکت‌های نیمه‌دولتی در جنگل‌کاری برای احیا موفق‌تر از شرکت‌های خصوصی بودند. در واقع اهداف مالی مد نظر این دسته از شرکت‌ها نبوده است. در بحث احیای جنگل‌های زاگرس، فعالیت‌های خوب ولی پراکنده زیادی انجام شده است، در این جنگل‌ها، قرق‌ها و ذخیره‌گاه‌هایی وجود دارد، هرچند در بیشتر استان‌ها، جنگل‌کاری اجرا شده، اهداف کلان احیا و توسعه پیگیری نشده است. در رابطه با احیا و توسعه نهالستان که سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، ایجاد کرد، همه نهالستان‌ها، نهالستان‌های چهارچوب‌دار و سیستماتیک بودند، اگرچه این کار یکی از کارهای موفق سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور بوده است، متأسفانه، بعدها، نهالستان‌ها را با هدف خصوصی‌سازی رها کردند. در ادامه، به ضررهای عمده و اساسی این مورد اشاره خواهم کرد.

دومین محور

پروژه‌ها و طرح‌ها تکاملی و ادامه‌دار نبودند، به‌عبارت‌دیگر اجرای کارهای خوب و گسترده شروع می‌شد، با تغییر مدیریت‌ها (سطوح سازمان و وزارتخانه) حتی در سطح معاونت جنگل، نگاه‌ها تغییر می‌کرد و به‌دنبال آن پروژه‌های دیگری مطرح می‌شد، این پروژه‌ها نیز در آینده رها می‌شدند، برخی از آنها موفق و برخی دیگر ناموفق بودند.



هنگامی که به پروژه‌ها در سطح ملی و کلان پرداخته نمی‌شود و به صورت مقطعی دنبال می‌شوند، بی‌شک، تحت تأثیر جریان‌های بیرون از سازمان قرار می‌گیرند، برای نمونه، به جنگل‌کاری از حرم تا حرم اشاره می‌کنم، این طرح بدون مطالعه و بدون هدف مشخصی شروع به کار کرد و سپس رها شد. به تازگی وزیر محترم جهاد کشاورزی (جناب آقای دکتر ساداتی‌نژاد) بحث کاشت یک میلیارد نهال را در چهار سال مطرح کردند. درحالی‌که اگر سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، خود، یک برنامه ملی ممتد احیا و توسعه داشت، چه بسا یک میلیارد نهال، تبدیل به پنج میلیارد می‌شد و به شکل انفعالی مطرح نمی‌شد. شایسته است، وزیر محترم برنامه‌های کلان سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور را پشتیبانی کند، نه اینکه به سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور ایده و نقشه راه بدهد.

سومین محور

سومین محور نه تنها محوری است که جنگل، بلکه مراتع و بیابان‌ها را هم تحت تأثیر قرار داد، بنده نیز بارها آن را مطرح کردم. (به قول آقای دکتر شعبانیان موضوع مطرح شده چالشی شده است)، یکی از موضوعات چالشی که همیشه مطرح می‌کنم و با طرح آن دچار مشکل و چالش می‌شوم، موضوع آبخیزداری است. این موضوع با تشکیل معاونت آبخیزداری در جهاد سازندگی (که بعدها ادغام شد) به سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور وارد شد و بعد به صورت معاونت آبخیزداری در ذیل سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور قرار گرفت، سپس نظریه جدیدی با عنوان «مدیریت جامع حوزه آبخیزداری» مطرح شد. به تدریج هم از نظر رویکرد نظری و هم از نظر امکانات و بودجه، طرح‌های جنگل‌داری را به حاشیه راند. در عمل، بودجه آبخیزداری با بودجه تملکی بخش‌های جنگل و مرتع قابل مقایسه نیست، در نگاه ما، محوریت با طرح‌های جنگل‌داری است که از حوزه آبخیزداری تبعیت نمی‌کند. محوریت مدیریت جامع حوزه آبخیزداری، تأمین آب است،

درحالی‌که اهداف طرح‌های جنگل‌داری، حفظ اکوسیستم‌های جنگل است که درکل، از حوزه آبخیز تبعیت نمی‌کند و از سایر فاکتورها تبعیت می‌کند. شمال کشور، به دلیل وجود حوزه‌های آبخیز متعدد می‌تواند به‌عنوان پایه مدیریتی استفاده شود، به این مقوله تنها می‌توان به‌عنوان پایه مدیریتی جنگل نگاه کرد. نباید براساس مدیریت جامع حوزه آبخیزداری، مباحث احیا و توسعه جنگل را دنبال کنیم، حوزه‌های آبخیزداری در ذیل اکوسیستم‌های جنگلی قرار می‌گیرند و این حوزه‌ها تحت تأثیر هستند. شاید این چالش، در بدنه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، احساس نشود ولی ما، از بیرون شاهد تحت تأثیر قرار گرفتن مسیر مدیریت احیا و توسعه جنگل هستیم، درواقع، این مسیر دچار مشکل شده است.

این موضوعات، جزو موضوعات چالشی مهمی بوده است که بنده به شکل کلان‌تری به آن پرداختم، در پایان گفت‌وگو هم، نگاه خود را عرض خواهم کرد، اینکه به چه سمتی باید حرکت کنیم.

طبیعت ایران جناب آقای دکتر شعبانیان، آیا برنامه‌های تدوین و اجرا شده احیا و توسعه جنگل تاکنون در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور نقد و بررسی شده است تا در برنامه هفتم دوباره با همان چالش‌ها و نقاط ضعف روبه‌رو نشویم؟ آیا محورهایی که آقای دکتر جلیلی به آنها اشاره کردند، در برنامه جدید سازمان مورد توجه قرار گرفته است؟

جناب آقای دکتر نقی شعبانیان (معاون محترم جنگل سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور)

ضمن تشکر از دست‌اندرکاران نشریه طبیعت ایران بنده بر این باورم که منابع طبیعی کشور تاکنون مظلوم واقع شده است، متأسفانه منابع طبیعی کشورمان طی سال‌های گذشته با یک بدسریستی مواجه بود که از نظر بنده بدتر





از بی‌سرپرستی است. احیا و توسعه جنگل و جنگل‌کاری، موضوع مهم و چالشی در کشور ماست که گاهی انتقادات زیادی بر آن وارد می‌شود. بنده یک انتقاد کلی به بحث توسعه جنگل و جنگل‌کاری در کشور دارم، اگرچه خودمان متولی آن هستیم. جنگل‌کاری‌هایی که امروز، در قرن بیست و یکم و در سال ۱۴۰۱ انجام می‌شود، تفاوت چندانی با جنگل‌کاری‌های ۵۰ سال گذشته ندارد. در صورتی که دانش و علم جنگل، از ۵۰ سال گذشته تا به امروز، توسعه زیادی داشته است و بسیاری از کارکردهای جنگل به‌ویژه نقش آن در کاهش معضلات محیط‌زیستی و پدیده تغییر اقلیم به‌خوبی روشن شده است، امروزه یافته‌های علمی زیادی در بحث توسعه جنگل وجود دارد. اهداف توسعه جنگل و جنگل‌کاری در گذشته به‌طور کلی، در جنگل‌های شمال کشور (همان‌طور که جناب آقای دکتر جلیلی اشاره فرمودند)، حول محور تولید چوب و تأمین نیاز چوبی کارخانه‌های صنایع چوب کشور بوده است، در بعضی موارد نیز برای

جلوگیری از توسعه بیابان‌ها و کنترل تپه‌های شنی و ماسه‌ای جنگل‌کاری اجرا شده است. در گذشته، مشکلات و چالش‌ها مثل دنیای امروز نبوده است، امروزه در دنیا با چالش‌های محیط‌زیستی زیادی از قبیل عواقب ناشی از تغییر اقلیم، افزایش گازهای گلخانه‌ای، آلودگی آب و خاک، پدیده ریزگرد و فرسایش خاک و ... مواجه هستیم که می‌توان گفت به‌دلیل عملکرد بد بشر روی کره زمین است. با توجه به موقعیت جغرافیایی، شرایط اقلیمی و شرایط توپوگرافی ایران، این مشکلات و چالش‌ها نسبت به گذشته پررنگ‌تر، شدیدتر و بغرنج‌تر شده‌اند. این روزها شاهد آلودگی‌های شدید در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور از جمله اصفهان، تهران، تبریز و ... هستیم. متأسفانه پدیده آلودگی هوا حتی از کلان‌شهرها به شهرهای کوچک هم رسیده است. گاهی شاهد حضور ریزگردهای شدید در مناطق غربی و جنوبی کشور هستیم که در سال‌های اخیر در تهران و حتی در شهرهای شمالی کشور نیز مشاهده شده است. آلودگی آب و خاک با فلزات سنگین و دیگر عناصر شیمیایی پایدار در طبیعت نیز بر کسی پوشیده نیست. امروزه نقش

جنگل‌ها و درختان در کاهش این مشکلات و معضلات محیط‌زیستی از طریق تحقیقات به‌خوبی ثابت شده است. در طرح‌های احیا و توسعه جنگل و جنگل‌کاری‌ها، باید این مسئله را در نظر گرفت و از یافته‌های علمی برای کاهش این مشکلات استفاده کرد. جنگل‌کاری برای سازمان منابع طبیعی و سایر دستگاه‌های دولتی و خصوصی بسیار پرهزینه است. هزینه تولید و کاشت یک نهال و استقرار آن در طبیعت، بیش از یک‌صد هزار تومان برآورد می‌شود، علاوه‌براین عرصه مناسب بی‌انتهای آب فراوان برای جنگل‌کاری وجود ندارد، بنابراین، هر نهالی که ما در عرصه می‌کاریم، باید پاسخگوی نیازهای ما باشد، نخست باید، مشکلات و نیازهای کشور را در مناطق مختلف دید، سپس با توجه به اهداف پیش‌رو، گونه‌های چوبی، شیوه‌ها و تکنیک‌های مناسب فنی را برای استقرار بهتر نهال‌ها و رسیدن به اهداف مشخص شده انتخاب کرد. امروز توسعه جنگل و جنگل‌کاری در کشور، باید مبتنی بر اهدافی از قبیل تولید چوب، کنترل ریزگرد، کاهش گازهای گلخانه‌ای، کاهش فرسایش آبی و بادی، احیا و غنی‌سازی پوشش جنگل،



جنگل‌کاری صفاک ماسوله، استان گیلان، پاییز ۱۴۰۱، عکس از محمود بیات

کنترل شن‌های روان و ... باشد. به‌عنوان مثال، اگر به‌دنبال احیا و توسعه جنگل‌های زاگرس هستیم، باید از یافته‌های تحقیقاتی استفاده کنیم و در کنار در نظر گرفتن تمام مسائل فنی و سازگاری، به گونه‌های مناسب، بیشتر توجه کنیم و شیوه‌ای را به کار بگیریم که در کاهش مشکلات منطقه مؤثر باشد. یکی از مشکلات اصلی در مناطق زاگرس، پدیده ریزگرد است، اگر ما در احیای جنگل‌ها و جنگل‌کاری‌ها درست عمل کنیم، جنگل‌های زاگرس می‌توانند همچون سدی در مقابل ریزگردها به کاهش شدت آنها کمک کنند. به‌عنوان مثال، نتایج تحقیقات در عرصه‌های زاگرس نشان می‌دهند، بلوط ایرانی در کاهش ریزگردها از بقیه گونه‌ها کارآمدتر است، بنابراین، باید در جنگل‌کاری‌های مناطق زاگرسی به این مسئله توجه کرد. اگر در منطقه‌ای مشکل آتش‌سوزی داریم، باید از گونه‌های مناسب و مقاوم به آتش در جنگل‌کاری‌ها و توسعه جنگل‌ها استفاده کنیم، خوشبختانه در این زمینه در ایران، همچنین در خارج از کشور تحقیقات خوبی وجود دارد. جناب آقای دکتر جلیلی به جنگل‌کاری‌های خوب اطراف تهران اشاره

کردند، متأسفانه، بنده با این مورد موافق نیستم، زیرا بیشتر جنگل‌کاری‌های اطراف تهران، یا سایر شهرهای بزرگ مطابق با نیازهای کنونی نیست. بزرگ‌ترین مشکل ما در تهران گازهای گلخانه‌ای و آلاینده‌های موجود در هواست که در سال‌های اخیر ریزگرد هم به آن اضافه شده است، گونه‌هایی باید در جنگل‌کاری‌های اطراف تهران استفاده شوند که در کاهش این مشکلات مؤثر باشند، البته که در کنار آن موضوع سازگاری، کم‌آبی و زیباشناختی را نباید فراموش کرد. مثلاً، در طرح‌های جنگل‌کاری اطراف تهران، هنوز به تفاوت بین سرو نقره‌ای، سرو خمره‌ای، کاج تهران و گونه‌های دیگر در کاهش مشکلات یادشده توجه نداریم، درحالی‌که امروزه یافته‌های علمی در این خصوص می‌توانند به ما کمک کنند. با نگاهی ساده به جنگل‌کاری‌های اطراف تهران، یا سایر شهرهای کشور مشخص می‌شود، برخلاف ارزش بسیار بالای آنها، این جنگل‌کاری‌ها منطبق با نیازهای منطقه و براساس یافته‌های علمی و تحقیقاتی نیستند، بنابراین، در کاهش این مشکلات نمی‌توانند خیلی مؤثر باشند. برای نمونه، نتایج

تحقیقات نشان می‌دهند گونه سرو نقره‌ای، نسبت به کاج تهران در کاهش گازهای گلخانه‌ای و ریزگردها موفق‌تر عمل می‌کند. از طرفی، ما با محدودیت‌های بسیار زیادی از جمله سازگاری گونه‌ها، هزینه، محدودیت عرصه‌ها در جنگل‌کاری‌ها و توسعه جنگل‌ها رو به‌رو هستیم. به‌طور کلی در طرح‌های توسعه جنگل و جنگل‌کاری‌ها باید نیازهای امروز و آینده منطقه را بشناسیم و جنگل‌کاری انجام دهیم که نه تنها پاسخگوی نیاز امروز، بلکه پاسخگوی نیاز آینده هم باشد. بسیاری از جنگل‌کاری‌های در حال اجرا، ممکن است در بیست سال آینده به ثمر برسند. بنابراین، باید دید، آیا مشکلات موجود امروز، بیست سال آینده نیز وجود خواهند داشت یا خیر؟ بی‌بردن به مسائل و مشکلات آینده را می‌توان از طریق تحقیقات و مطالعات استخراج کرد. اگر خلأیی وجود دارد، باید روی آن مطالعه و تحقیق شود. به‌عنوان مثال، اگر در جنگل‌کاری‌های اطراف تهران برای پاسخگویی به نیاز امروز به‌دنبال کاشت گونه‌هایی به منظور کاهش گازهای گلخانه‌ای باشیم باید به این سؤال پاسخ دهیم



جنگل‌کاری صفاک ماسوله، استان گیلان، پاییز ۱۴۰۱، عکس از محمود بیات



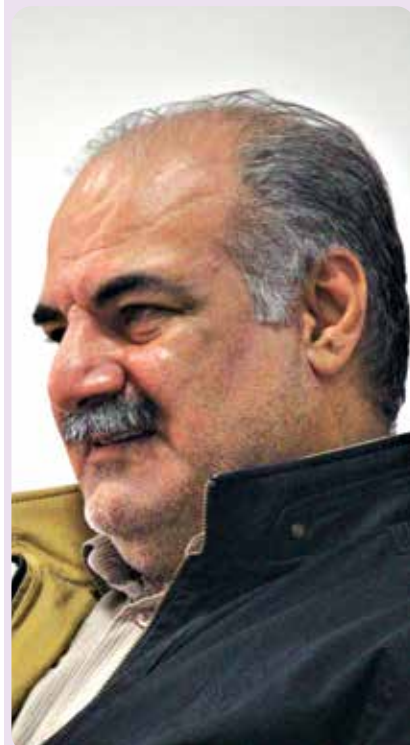
که آیا در آینده این مشکل به همین نحو وجود خواهد داشت؟ امروزه دنیا به سمت کاهش دی‌اکسیدکربن حرکت می‌کند. امروزه استفاده از انرژی پاک از طرف دولت‌ها توصیه می‌شود و راهکارهای تشویقی متفاوتی از قبیل کاهش مالیات و غیره برای آن در نظر گرفته می‌شود و خوشبختانه مردم و صاحبان صنایع نیز در دنیا از انرژی پاک استقبال می‌کنند. بنابراین، به‌طور خوش‌بینانه، گازهای گلخانه‌ای در آینده در دنیا و در کشور کمتر خواهد بود، ولی پدیده ریزگرد شاید در کشور شدیدتر از امروز باشد، بنابراین، این مسئله را باید در جنگل‌کاری‌ها در نظر گرفت. آمارهای جالبی در خصوص جنگل‌کاری اطراف تهران وجود دارد (درست یا غلط بودن آن، جای بحث دارد). جدیدترین آماري که در خصوص جنگل‌کاری اطراف تهران وجود دارد، ۱۶,۳۳ مترمربع، سرانه فضای سبز درون‌شهری و حدود ۵۰ مترمربع فضای سبز برون‌شهری است. با فرض صحت این آمار، نباید در شهر تهران، این همه معضل و مشکل به‌ویژه آلودگی هوا وجود داشته باشد. به نظر می‌رسد تاکنون نتوانستیم در حل معضلات و مشکلات محیط‌زیستی، آن گونه که شایسته است از طریق جنگل‌کاری و توسعه و احیای جنگل‌ها موفق باشیم، در نتیجه باید تغییر رویه دهیم.

طبیعت ایران

با توجه به مباحثی که آقای دکتر شعبانیان مطرح کردند و اهدافی که با توجه به شرایط روز مطرح می‌شود از جمله مشکلات آلودگی، ریزگرد، ترسیب کربن و غیره، لزوم اهمیت به جنگل‌کاری بیشتر می‌شود. آیا در برنامه‌های سازمان این اهداف مورد توجه قرار می‌گیرد؟ موضوع دیگر اینکه، برای نگارش برنامه صحیح نیاز به آمار و اطلاعات دقیق است. آیا آمار و اطلاعاتی از سطوح جنگل‌کاری‌های سنواتی وجود دارد که بتوان درصد موفقیت جنگل‌کاری‌های گذشته را براساس آن ارزیابی کرد؟ آیا در مورد جنگل‌کاری‌های

گذشته پایشی انجام شده است؟ همچنین، با توجه به اینکه یکی از مشکلات موجود در همه برنامه‌های گذشته، کمبود اعتبار بوده است و بسیاری از کشورهای موفق در این زمینه، از اعتبارات جهانی بهره‌مند شده‌اند، آیا برنامه‌ای برای استفاده از اعتبارات جهانی برای جنگل‌کاری و ترسیب کربن در نظر گرفته شده است؟

جناب آقای دکتر کامران پورمقدم (رئیس محترم مرکز جنگل‌های خارج از شمال و مدیر طرح توسعه زراعت چوب کشور در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور)



ضمن سپاس از برگزاری این نشست و پیش از پاسخ به سؤالات طرح شده، مایلیم روندی را که از پیش از انقلاب شکوهمند ایران تاکنون اتفاق افتاده است، ترسیم کنم. با توجه به محدودیت‌ها و مشکلاتی که سازمان با آن روبه‌رو بوده و مواردی که آقای دکتر جلیلی به آن اشاره کردند، در بخش احیا و توسعه دو بعد وجود دارد.

۱- مباحث علمی آن است، این بعد به مکان‌یابی این عملیات و تعیین گونه برمی‌گردد و مشخصه و شاخص‌هایی دارد که

به مباحث جنگل‌کاری و جنگل‌داری مرتبط است و باید در آن دیده شود.

۲- محدودیت‌های اجرایی یا به‌عبارت‌دیگر الزامات اجرایی که ما در کار به آن نیاز داریم، از جمله هزینه‌های اجرایی، این موضوع به شاخص‌های مختلفی برمی‌گردد، مانند نهالستان‌ها، محوط بذرگیری و ... که به موضوع احیا و توسعه مرتبط می‌شود. در واقع، اطلاعات کارنامه‌های عملکردی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، که در دفتر برنامه و بودجه، یا دفتر طرح و برنامه سازمان متبوع منتشر شده است، ملاک قرار می‌گیرد. این آمار، عملکردی و منتشر شده است. در واقع، به آمار روی زمین که براساس تصاویر ماهواره‌ای است و نشان می‌دهد چقدر روی زمین کار شده است و چقدر تبدیل به جنگل شده است، کاری نداریم. کارنامه عملکردی نشان می‌دهد، قبل از سال ۱۳۵۷، ۴۳۰۰۰ هکتار عملیات جنگل و جنگل‌کاری اجرا شده است.

جناب آقای دکتر جلیلی

آیا عدد ۴۳۰۰۰ هکتار، شامل جنگل‌کاری تپه‌های شنی هم می‌شود؟

جناب آقای دکتر پورمقدم

خیر، عدد فوق شامل حوزه جنگل و جنگل‌کاری می‌شود. سؤال شما مرتبط با بحث بیابان، بیابان‌زدایی و تثبیت شن است. بعد از انقلاب (۱۳۶۷-۱۳۵۷)، به‌عبارت‌دیگر، پیش از آغاز برنامه‌های توسعه‌ای اول، دوم و سوم عملیات جنگل‌کاری، حدود ۱۰۰/۰۰۰ هکتار است، پس از تدوین برنامه‌های پنج‌ساله و با توجه به دیدگاه سازمان، به‌طورکلی از پیش از انقلاب تا پایان سال ۱۴۰۰، ۱/۷۶۰/۰۰۰ هکتار عملیات جنگل‌کاری داریم، یعنی عملکرد فیزیکی که جنگل‌کاری انجام شده است. وقتی آنها را در مقاطع مختلف زمانی و برنامه‌ای دسته‌بندی می‌کنیم، می‌بینیم که سطوح عملکردی کاهش می‌یابند، در برنامه پنجم توسعه، ۲۷۹/۰۰۰ هکتار و در برنامه سوم توسعه حدوداً، ۳۰۰/۰۰۰ هکتار بوده است. البته که تا پایان برنامه سوم (یعنی تا سال ۱۳۸۴)، روند افزایشی بوده است. از دهه



جنگل کاری سن، رضوانشهر استان گیلان، تابستان ۱۴۰۱، عکس از محمود بیات



جنگل کاری های شهرستان دماوند استان تهران، پاییز ۱۴۰۰، عکس از ابوالفضل جعفری

۸۰ به بعد، سطوح عملکردی جنگل کاری و توسعه جنگل سیر نزولی داشته و تا به الان هم این سیر نزولی ادامه دارد. جنگل کاری را به چند شکل انجام می دهیم، که عبارتند از: الف- طرح های توسعه فضای سبز و ایجاد جنگل کاری دست کاشت و ب- طرح های جنگل داری برای مثال، صنوبرکاری های وسیع (در حد ۲۴۰۰۰ هکتار) در شفارود، توسط مدیر و مجری طرح جنگل کاری در قالب طرح های جنگل داری انجام شد. حتی در سایر نقاط جنگل های هیرکانی، یا حتی جنگل های خارج از شمال، این دست کارها در قالب طرح های جنگل داری و مدیریت منابع جنگلی، طرح ها و بحث های احیا و توسعه شکل می گرفت، اعتبارات از این طریق می آمد و عملیات انجام می شد، طرح مشخص و مدونی به نام جنگل کاری، احیا و توسعه جنگل وجود نداشت، ولی برنامه های احیایی را در قالب این طرح ها اجرا می کردیم، یعنی با عنوان طرح های جنگلی دست کاشت، طرح می نوشتیم و براساس آن کار می کردیم یا درمورد طرح های جنگل داری که عملیات احیایی در آن پتانسیل یابی و گونه تعیین می شد، مجریانی داشتیم که آنها را انجام می دادند. از سال ۱۳۸۰، یا به عبارت بهتر دهه ۸۰، تولید نهال در نهالستان ها الزاماتی دارد. از دهه ۸۰، تمام طرح های جنگل کاری (موافقت نامه های اعتباری جنگل کاری و توسعه جنگل و نهالستان ها) استانی شد و مشاهده می کنید از دهه ۸۰ سیر نزولی جنگل کاری شکل می گیرد. دلیل اصلی آن را باید در نبود منابع مالی جستجو کرد. هنگامی که طرح ها در سطح ملی بود و برنامه ها مدون تر و مشخص تر بود، این مشکل وجود نداشت، اما هنگامی که در سطح برنامه ریزی شورای استان جلو رفت، اولویت ها تغییر کرد و اعتبار به معیشت و اشتغال تخصیص یافت، در نتیجه اعتبار بسیار جزیی به این موضوع تعلق گرفت. همین عامل باعث شد که به نهالستان ها، آسیب زیادی وارد شود. نهالستان ها را که نمی توان به حال خود رها کرد. سیاست دولت به شکل دیگری تغییر یافت. برای اینکه نهالستان ها خوابد و از طرفی هزینه های آن تأمین شود، به مجریانی



واگذار شد که بخشی از آن را برای فروش و بخشی را برای خودشان در نظرمی گرفتند. این کار نیز آسیب‌ها و مشکلاتی را داشت.

در موضوع گفت‌وگوی چالشی امروز، مباحث علمی و مبانی نظری همچنان بر قدرت بر سر جایگاه خود هستند، تا پتانسیل‌یابی‌ها بر اساس یک مبانی نظری و علمی مشخص، قوی و درست شکل بگیرند. در عین حال، اجرای برنامه‌های احیا و توسعه به شدت به منابع مالی محتاج است. این منابع مالی ممکن است از طریق دولت، مشارکت مردمی، بخش خصوصی، یا منابع بین‌المللی تأمین شود. آمار عملکردی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، این مهم را نشان می‌دهد، بعد از آن سالی که اعتبارات جنگل‌کاری و نهالستان‌ها در قالب استانی رفت، عملکرد فیزیکی با سیر نزولی مواجه شد. طرح‌های ملی که از سال ۱۳۸۲ با عنوان طرح صیانت از زاگرس اجرا شد، بیشتر به سمت مدیریت جنگل حرکت کردند، به طوری که جایگاه طرح‌های احیایی کم‌رنگ‌تر شد. از سال ۱۳۹۰ طرح‌های نهال‌کاری و بذرکاری بیشتر مطرح شدند، در این مورد هم محدودیت‌های اعتباری وجود داشت. با توجه به موافقت‌نامه‌های استانی، مجوز افزایش اعتبار در طرح‌های ملی برای موارد مطرح شده صادر نشد، به عبارت دیگر برای یک موضوع در دو مکان نمی‌توانستیم افزایش اعتبار بگیریم.

در بحث پایش نیز این سؤال مطرح است، چقدر عملکرد ما، در این خصوص موفق بوده است؟ آیا پایش انجام می‌شود یا نه؟ پایش‌ها در بازه‌های ده، بیست، یا سی ساله انجام نشده است، البته که در مقاطع زمانی ده ساله، سازمان نقشه‌پوشش گیاهی و جنگلی را تهیه کرده است، در واقع، این نقشه‌ها می‌توانند مبنای موفقیت موضوع باشند. مثلاً از سطوح ۱/۷۶/۰۰۰ هکتار جنگل‌کاری، چند درصد در تصاویر ماهواره‌ای، یا نقشه‌های به‌روزرشده، قابل رؤیت هستند. نقشه‌هایی که سازمان در سال ۱۳۹۵ تهیه و بعدها آن را به‌روز کرد، نشان می‌دهند، میزان جنگل‌کاری رقمی در حدود ۱/۱۰۰/۰۰۰ هکتار است،

این رقم در خصوص بیابان‌زایی در حدود ۲/۰۰۰/۰۰۰-۳/۰۰۰/۰۰۰ هکتار بود. سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، از طریق تصاویر ماهواره‌ای متوجه شد، رقمی معادل ۱/۱۰۰/۰۰۰ هکتار به جنگل تبدیل شده است. در واقع تاج پوششی است که تبدیل به جنگل شده است. سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور از طریق نقشه پوشش گیاهی و جنگلی سطح جنگل‌کاری را به این شکل رصد می‌کند.

صحت و دسترس‌پذیری آمار و اطلاعات به دو شکل ارائه می‌شود: الف- کارنامه‌های عملکردی که در بخش برنامه و بودجه موجود است. به عبارت دیگر، گزارش عملکرد می‌گیریم و ب- دقیق‌تر از آن، نقشه‌هایی است که تولید می‌شود. بنده فکر می‌کنم، جای این مهم در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری خالی است. سیستم پایش باید در آن سازمان متنوع از طریق حتی همکاری بین این سازمان و مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور شکل بگیرد. این سیستم پایش باید بر اساس علوم سنجش از دور باشد. مسائل و چالش‌هایی که امروزه، مشاهده می‌کنیم، روی محیط‌های طبیعی (حتی جنگل‌های طبیعی) نیز اثر گذاشته است و آنها را دچار خشکیدگی کرده است، جنگل‌کاری هم بدون آسیب نمی‌ماند. در سال ۱۳۸۶-۱۳۸۵ به‌خاطر وقوع سرمای شدیدی، بخش زیادی از جنگل‌کاری‌ها (که حتی قسمتی از آن مربوط به پایش از انقلاب بود) دچار آسیب جدی شدند. تغییرات آب‌وهوایی می‌تواند به استقرار این جنگل‌کاری‌ها آسیب وارد کند. یک نکته خیلی مهم اینکه، ما باید در بحث‌های احیا و توسعه جنگل، جنگل‌کاری و مدیریت جنگل، بحث سازگاری را به‌عنوان یک اصل و بحث بسیار مهم در نظر بگیریم، موضوع تعیین‌گونه نیز باید بر اساس یک آینده‌نگری و آینده‌پژوهی در جنگل شکل بگیرد، که اگر سناریوهای مختلف در تغییر اقلیم مطرح می‌شوند، جنگل‌کاری‌ها بتوانند بر اساس سال‌ها یا دهه‌های آینده، این مقاومت یا به‌عبارت بهتر سازگاری را با تغییرات اقلیمی داشته باشند. بحث بازسازی اکوسیستم یا Restoration فراتر از جنگل‌کاری مطرح است. در این مبحث به کاشت درخت و جنگل‌کاری نمی‌پردازند.

طبیعت ایران

جناب آقای دکتر پورهاشمی لطفاً جناب‌عالی در مورد نقش بخش تحقیقات در برنامه‌های گذشته جنگل‌کاری‌های کشور توضیح دهید. همان‌طور که مستحضربید، در مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، کارگروهی با عنوان کارگروه احیا و توسعه جنگل تشکیل شده است و همکاران ما در مؤسسه و مراکز تحقیقاتی کشور با تلاش بسیار و صرف ماه‌ها وقت برنامه احیا و توسعه جنگل‌های ایران را تهیه و تدوین کردند. آقای دکتر پورهاشمی، لطفاً توضیح دهید این برنامه در چه مرحله‌ای است و سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور چگونه می‌تواند از این برنامه استفاده کند؟

جناب آقای دکتر مهدی پورهاشمی (رئیس محترم بخش تحقیقات جنگل، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور)

ضمن خیرمقدم خدمت آقای دکتر شعبانیان و آقای دکتر پورمقدم، احیا و توسعه جنگل موضوع بسیار متنوع و پیچیده‌ای است که برای بررسی کامل آن به چندین جلسه بحث و گفت‌وگو نیاز است. در این فرصت کوتاه، بنده به چند نکته باید اشاره کنم که به پیشینه فعالیت‌های بخش تحقیقات جنگل مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور در ارتباط با احیا و توسعه جنگل می‌پردازد. در این خصوص، در سال ۱۳۹۹ گزارش کاملی توسط همکاران بخش تهیه شد که فایل آن روی سایت مؤسسه برای عموم قابل دسترس است. یکی از موضوعاتی که در این گزارش به آن اشاره شده است، کلیه پروژه‌هایی است که بخش تحقیقات جنگل از ابتدای تأسیس (سال ۱۳۴۷) آنها را اجرا کرده است. چرا این موضوع را مطرح می‌کنم، برای اینکه، پس از تهیه گزارش و ارزیابی پروژه‌های بخش، مشخص شد سهم چشمگیری از پروژه‌های اجرا شده به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع احیا و توسعه جنگل مرتبط بوده‌اند، به طوری که از همان ابتدا، پروژه‌های سازگاری گونه‌های مختلف در اقلیم‌های متنوع ایران در دستور کار بوده است. این پروژه‌ها نشان می‌دهند، از زمان تأسیس این بخش، نگاه ویژه‌ای به موضوع احیا و توسعه جنگل

وجود داشته است. این پروژه‌ها ادامه دار بوده و چندین دهه اجرا شده‌اند. نتایج پروژه‌های اشاره شده نیز در قالب گزارش‌های نهایی، کتاب‌ها و مقالات مختلف به چاپ رسیده است. پس از اتمام پروژه‌های سازگاری، بخش تحقیقات جنگل بر بخش‌های دیگری از احیا و توسعه جنگل تمرکز کرده است و نتیجه آن اجرای پروژه‌های مختلف با موضوعاتی همانند روش‌ها و تکنیک‌های مختلف کاشت، کاربرد ذخیره نزولات در جنگل‌کاری‌ها و استفاده از نهال‌های میکوریزی بوده است که کماکان نیز ادامه دارد. بنابراین، ضرورت موضوع تغییر نکرده و حسب اقتضای زمانی، ماهیت پروژه‌ها تغییر کرده است. در سال ۱۳۹۸، با توجه به تصمیم شورای راهبردی مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، مقرر شد برنامه راهبردی احیا و توسعه جنگل‌های کشور تدوین شود. این موضوع باعث شد که بخش تحقیقات جنگل، به موضوعی ورود کند که به بخشی از نتایج آن در جلسه پیش اشاره شد. امروزه به موضوعات دیگری اشاره می‌شود. در آن کارگروه سه پرسش اصلی مطرح شد:

۱) کجا هستیم؟ در این خصوص، آقای دکتر رحمانی پرسش‌هایی را مطرح کردند و آقای دکتر پورمقدم هم توضیحاتی را ارائه فرمودند. در این بخش ما به دنبال این بودیم که یک آسیب‌شناسی در مورد فعالیت‌های انجام شده در ارتباط با احیا و توسعه جنگل‌های کشور داشته باشیم. به عبارت دیگر، مشخص شود که الان در چه نقطه‌ای قرار داریم تا بتوانیم به هدفی که مدنظرمان است، برسیم.

۲) چکار باید بکنیم؟ در این بخش، دورنمای ۱۰ ساله‌ای برای احیا و توسعه جنگل‌های کشور ترسیم شد و مسیر دستیابی به آن نیز مورد توجه قرار گرفت.

۳) چه بکاریم و چگونه بکاریم؟ در این بخش مباحث فنی مرتبط با گونه‌های مورد استفاده برای احیا و توسعه جنگل‌های کشور و همین‌طور روش‌ها و تکنیک‌های کاشت آنها مورد توجه قرار گرفت و شیوه‌نامه‌هایی نیز برای این منظور تدوین شد.

در بخشی از این برنامه نیز به‌طور مفصل، سوابق کشورهای پیشرو در امر احیا و

توسعه جنگل بررسی شد. در واقع به دنبال این موضوع بودیم که چرا یک‌سری از کشورها در احیا و توسعه جنگل موفق و برخی دیگر از کشورها موفق نیستند؟ (با توجه به اینکه در جلسه گذشته به آن اشاره کردم، وارد موضوع نمی‌شوم). نکته مرتبط به بحث امروز، پرسش اول است، یعنی، کجا هستیم. موضوع بسیار برای ما مهم بود و لازم بود که ما یک آسیب‌شناسی از آنچه‌که تا الان در کشور اتفاق افتاده بود، داشته باشیم. از ارزیابی برنامه‌های



اجرا شده توسط سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور و سایر نهادها مشخص شد، اجرای پروژه‌های جدید الزامی است. در نتیجه، پروژه‌های مختلفی در دستور کار بخش تحقیقات جنگل قرار گرفت که یکی از آنها (همان‌طور که آقای دکتر رحمانی به آن اشاره کردند)، پایش جنگل‌کاری‌های سنواتی کشور است. پروژه‌ای که شاید در ظاهر ساده به نظر برسد، اما نتایج آن می‌تواند به ما افق دید بهتری دهد. هم‌اکنون که در اواخر سال ۱۴۰۱ هستیم، بخش اول این پروژه که اختصاص به ۱۷ استان کشور در ناحیه رویشی ایرانی-تورانی دارد، در حال اتمام و جمع‌بندی نتایج است و ان‌شاءالله تا بهار سال آینده گزارش

کلی آن تدوین می‌شود. در این پروژه کلیه جنگل‌کاری‌های کشور ضمن آسیب‌شناسی (ارزیابی وضعیت موجود)، نقشه‌سازی نیز می‌شوند. با توجه به اینکه این اطلاعات، هنوز نهایی نشده است، خیلی به آن اشاره نمی‌کنم، اما نتایج یک استان (استان سمنان) را که نهایی شده است، به‌طور کلی عرض خواهم کرد. ذکر این نکته لازم است که اطلاعاتی که ما به دست آوردیم نیز بسیار نزدیک به اطلاعات ارائه شده توسط سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور است. استان سمنان، یکی از استان‌هایی بود که جنگل‌کاری‌های نواحی ایرانی-تورانی آن مطالعه شد. در مجموع ۴۳ مورد جنگل‌کاری و ۲۵ مورد پارک/بوستان جنگلی در این استان وجود دارد. تمام آنها بازدید میدانی شدند و اطلاعات آنها ثبت شده است. از اطلاعات ادارات منابع طبیعی و شهرداری‌های شهرستان‌های استان نیز استفاده شده است. بیش از ۳۰ گونه از دهه ۱۳۴۰، در این استان کشت شده است. اولین جنگل‌کاری استان سمنان مربوط به سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۴۵ بوده است که شامل پارک ۱۷ شهرریور و پارک راه‌آهن شهرستان سمنان بوده و گونه کاج تهران در آنها کاشته شده است. نکته مهم، درصد موفقیت جنگل‌کاری‌های استان است که به‌طور متوسط حدود ۷۵ درصد بوده است. بنابراین، با توجه به اینکه کل جنگل‌کاری‌های استان در بخش ایرانی-تورانی ۱۴۵۷ هکتار بوده است، امروزه رقمی در حدود ۱۱۰۰ هکتار باقی مانده است. حدوداً ۲۵ درصد از جنگل‌کاری‌های استان از بین رفته است و در عرصه مشاهده نمی‌شود (اگرچه کماکان در آمار وجود دارد). همچنین، برخی جنگل‌کاری‌ها مانند جنگل‌کاری عبدالآباد شهرستان سرخه و جنگل‌کاری حاشیه جاده گرمسار فقط ۱۵ درصد موفقیت داشته‌اند. بدون تردید، این اطلاعات برای آسیب‌شناسی موضوع و اینکه چه کاری باید انجام دهیم، بسیار مفید است. طرح جنگل‌کاری سنواتی که هدف فاز اول آن، کسب اطلاعات پایه بود در سایر نواحی رویشی نیز (زاگرس-صحارا-سندی-هیرکانی و بخش باقی‌مانده از ایرانی-تورانی) در سال آینده آغاز خواهد شد. برنامه ما، برای این بخش از نواحی ایرانی-تورانی



که اطلاعات پایه از آن استخراج شده، این است که در فاز دوم فرایند پایش را آغاز کنیم که با استفاده از آماربرداری‌های دوره‌ای انجام می‌شود. در این صورت می‌توانیم اطلاعات دقیقی از جنگل‌کاری‌ها را در بازه‌های زمانی منظم استخراج کنیم. در مورد اینکه چه بکاریم و چگونه بکاریم، بنده در ابتدا اشاره کردم، بخش تحقیقات جنگل مؤسسه تجارب خوبی در این خصوص دارد و شیوه‌نامه‌ای نیز برای این منظور تهیه شده است. این شیوه‌نامه به مرکز جنگل‌های خارج از شمال نیز ارسال شده است. این شیوه‌نامه به تفکیک منابع رویشی یادشده تنظیم شده است و بیان می‌کند، چه گونه‌هایی برای ما اولویت کاشت دارد؟ به چه شکل باید آنها را بکاریم؟ و تکنیک‌های کاشت به چه شکل باید باشد؟ در ادامه، بنده می‌خواهم اشاره‌ای به موضوعی کنم که در بخش دوم صحبت، شایسته است مهمانان محترم مدعو به آن اشاره داشته باشند و آن فرایندی است که پس از کاشت انجام می‌شود، به عبارت بهتر، آیا سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، برنامه‌ای برای پس از کاشت (نگهداری و مراقبت) دارد؟ آیا مدون است؟ چگونه انجام می‌شود؟ نکته دیگری که باید به آن اشاره شود و مهم است، این است که بنده اعتقادی به عنوانی از قبیل طرح جنگل‌کاری ندارم. بنده فکر می‌کنم اگر ما این مسیر را پیش بگیریم، اصل موضوع یعنی طرح جنگل‌داری تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و کم‌رنگ می‌شود و ما باید به این قضیه بسیار توجه داشته باشیم. اگر در سطح وزارتخانه مطرح می‌شود که سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور مکلف است طرح کاشت یک میلیارد نهال را ارائه کند، سازمان نباید آن را در قالب طرح جنگل‌کاری بیاورد و طرح جنگل‌کاری تدوین کند، بلکه باید تمرکز خود را روی این موضوع بگذارد که چگونه می‌تواند برنامه کاشت یک میلیارد نهال را در قالب طرح‌های جنگل‌داری بگنجانند و از این فضای که ایجاد شده است، بتواند برای پرنرنگ کردن طرح‌های جنگل‌داری استفاده

کند و بعد در دل آن مسائلی چون طرح‌های جنگل‌کاری و اقتصادی و اجتماعی را مطرح کند. طبیعت ایران: در این قسمت گفت‌وگو بیشتر از برنامه‌های گذشته صحبت شد و هدف این بود که بتوانیم با علم به نقاط ضعف برنامه‌های قبلی، برنامه آینده احیا و توسعه جنگل را بهتر پایه‌ریزی و اجرا کنیم. اگر در این مورد نکته قابل تأکیدی وجود دارد، بفرمایید، تا در ادامه به قسمت مهم‌تر بحث که برنامه آینده و برنامه جدید سازمان یعنی کاشت یک میلیارد نهال است، بپردازیم.

جناب آقای دکتر جلیلی

آقای دکتر شعبانیان به موضوع فناوری علم روز و موضوعات و چالش‌های روز، اعم از بیابان‌زایی، تغییر اقلیم، یا ریزگرد اشاره کردند، جناب آقای دکتر پورمقدم هم در مورد منابع مالی صحبت کردند. بنده معتقدم، منابع مالی، پاشنه آشیل توسعه در کشور است، وقتی بخش اجرا، برنامه‌محور، ملی و مبتنی بر اهداف و شاخص‌های تعریف‌شده در مقیاس توسعه حرکت نکند، نه تنها به اهداف خود نمی‌رسد، بخش‌های پشتیبانی‌کننده به این بخش نیز فلج می‌شوند. اگر چه درست است که در ارتباط با جنگل، آموزش در دانشگاه‌ها و پژوهش در مؤسسه باید پیشرو باشند، ولی به شدت تحت تأثیر حرکت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور هستند. حرکت مقطعی، یا زیگرزگی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور و به عبارت دیگر، نبود برنامه در این سازمان نه تنها دانشکده بلکه پژوهش را نیز تحت تأثیر منفی خود قرار داده است. هر وقت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور برنامه‌محور حرکت کرده است، آموزش را در دانشگاه‌ها و پژوهش را در مؤسسه تحت تأثیر مثبت قرار داده است. همان‌طور که اشاره شد، بیشتر تمرکز این سازمان در دهه ۴۰-۳۰ روی پارک‌های جنگلی اطراف شهرها بود. البته که جناب آقای دکتر شعبانیان با نظر بنده مخالف بودند، پارک‌های جنگلی شهری موضوع چالشی بسیار مهمی است که در حوصله این جلسه نمی‌گنجد و نیازمند برگزاری یک

جلسه مستقل است. این مهم که در دهه ۳۰ با اهداف و علم آن زمان، برای ساماندهی حریم شهری و جلوگیری از ایجاد جزایر حرارتی در کلان‌شهرها مطرح می‌شود، بسیار موفق عمل می‌کند، متأسفانه چون ادامه‌دار نیست، دچار فلجی می‌شود. در آن زمان هنگامی که جنگل‌کاری علاوه بر ایجاد پارک‌های جنگلی بر کاشت، یا تثبیت جنگل‌های شنی متمرکز می‌شود، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور موضوع مهم سازگاری را برای اینکه بتواند به نیاز گونه‌های درختی سازمان پاسخ دهد، مطرح می‌کند. یکی از بهترین پروژه‌های اجراشده در آن زمان، ایجاد ۵۴ سایت مطالعه سازگاری گونه‌های درختی است که بیش از ۲۰۰ گونه داخلی و خارجی را ارزیابی کرد. اگر به همین شکل ادامه پیدا می‌کرد، هم نقاط جدید اضافه می‌شد و هم وارد فناوری‌های جدید می‌شدیم. در ادامه محاط بذرگیری و از آن بالاتر تشکیل باغ بذر مطرح می‌شد، که پشتیبانی علمی خوبی برای نهالستان‌های سازمان بود، متأسفانه هم‌اکنون، نهال بلوط تولیدشده در ایلام، در کردستان کاشته می‌شود، این اشتباه است، ما نیازمند تکامل فناوری در این ارتباط بودیم. همان‌طور هم در نهالستان‌ها تحول ایجاد می‌شد. وقتی این حرکت مهم به بهانه خصوصی‌سازی قطع شود، بی‌شک، زنجیره همکاری دچار اختلال می‌شود، مؤسسه انگیزه خود را از دست می‌دهد و در نهایت این زنجیره قطع می‌شود. مشابه همین اتفاق، در دانشگاه‌ها برای تدریس روی می‌دهد، وقتی بیشتر کارهای جنگل‌داری و جنگل‌شناسی در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، در شمال کشور و بهره‌برداری متمرکز است، طبیعی است، تدریس در دانشکده‌ها هم بر رویکرد بهره‌برداری از جنگل‌ها با روش‌های تک‌گزینی، نزدیک به طبیعت و سایر، جهت بهره‌برداری مثلاً جنگل‌های شمال ایران، متمرکز شود. سپس وقتی بهره‌برداری را قطع و روی استراحت جنگل تمرکز کنید، دانشکده هم آن چیزی را که تدریس می‌کرده است، کنار می‌گذارد و دوباره به تغییر نگرش روی می‌آورد. مثال دیگری عرض می‌کنم، در مؤسسه موضوع زیست فناوری و استفاده از علوم مربوط به آن نظیر زیست‌شناسی

مولکولی جنگل مطرح می‌شود، کار با استفاده از کشت بافت روی گونه‌های در معرض انقراض شروع می‌شود. طی دو دهه گروه ۶-۵ نفره روی تک‌تک گونه‌های در معرض خطر انقراض کار می‌کنند. باغ بذر بر زیست‌شناسی مولکولی و بیشتر روی ژنوتیپ‌های خاص متمرکز می‌شود. طبیعی است، وقتی مشاهده می‌شود این مهم در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، مورد توجه قرار نمی‌گیرد، موضوع کاملاً کنار گذاشته و منقطع می‌شود. جناب آقای دکتر پورمقدم، وقتی که شما از روی برنامه حرکت و شاخص‌های کار را ممتد می‌کنید، وقتی موضوع احیا و توسعه جنگل را در رابطه با مسائلی چون ترسیب کربن و افزایش سطح جنگل مطرح می‌کنید و نتیجه فعالیت‌ها هم‌سو با مدیریت تغییر اقلیم جهانی قرار می‌گیرد، آن وقت است که برای آن،

منابع مالی پیدا می‌شود، وقتی به شکل مجدانه برنامه‌های خود را پیش می‌کنید و فرایند احیا و توسعه جنگل‌ها را در سطح عملیاتی و از نظر کارکردی، فرسایش در اکوسیستم‌ها را که بخشی از موضوع بیابان‌زایی است، همچنین آثار آنها را نشان می‌دهید، بی‌شک، سازمان برنامه و بودجه کشور نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. برای چالش ریزگرد در استان خوزستان، ۱۵۰۰ میلیارد تومان هزینه شد، اگر، این رقم اختصاص یافته از سال ۱۴۰۱-۱۳۹۵ به جای حل این مشکل و معضل، پیش از آن، به موضوع احیا و توسعه جنگل در زاگرس اختصاص می‌یافت، بدون تردید با چنین پدیده‌ای مواجه نبودیم. تفکر و اعتقاد بنده، با تفکر جناب آقای دکتر پورهاشمی مشابه است. هم‌اکنون، برنامه جنگل‌کاری در کشور وجود ندارد، اهداف مختلف جنگل‌کاری

داریم. وقتی مطرح می‌شود که باید یک میلیارد نهال بکاریم، منظور دقیق از آن چیست؟ ما در مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، پس از ساعت‌ها بحث و بررسی کارشناسی، به این نکته رسیدیم که، تدوین برنامه احیا و توسعه گره‌گشای معضلاتی است که هم‌اکنون با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم. احیا و توسعه جنگل‌های دست‌کاشت، مفهوم خود را دارد. این مفهوم دارای چند لایه است، یک لایه آن جنگل‌کاری است، این لایه دربرگیرنده، علوم تخصصی جنگل (باغ بذر- زراعت چوب) است. مفهوم احیا در جنگل‌ها نیز دارای یک مفهوم است، که در اینجا، نگاه اکوسیستمی به طبیعت و به‌طور خاص جنگل مطرح می‌شود. وقتی برنامه احیا و توسعه جنگل، کلان و ادامه‌دار مطرح می‌شود، تمام مسائل اعم



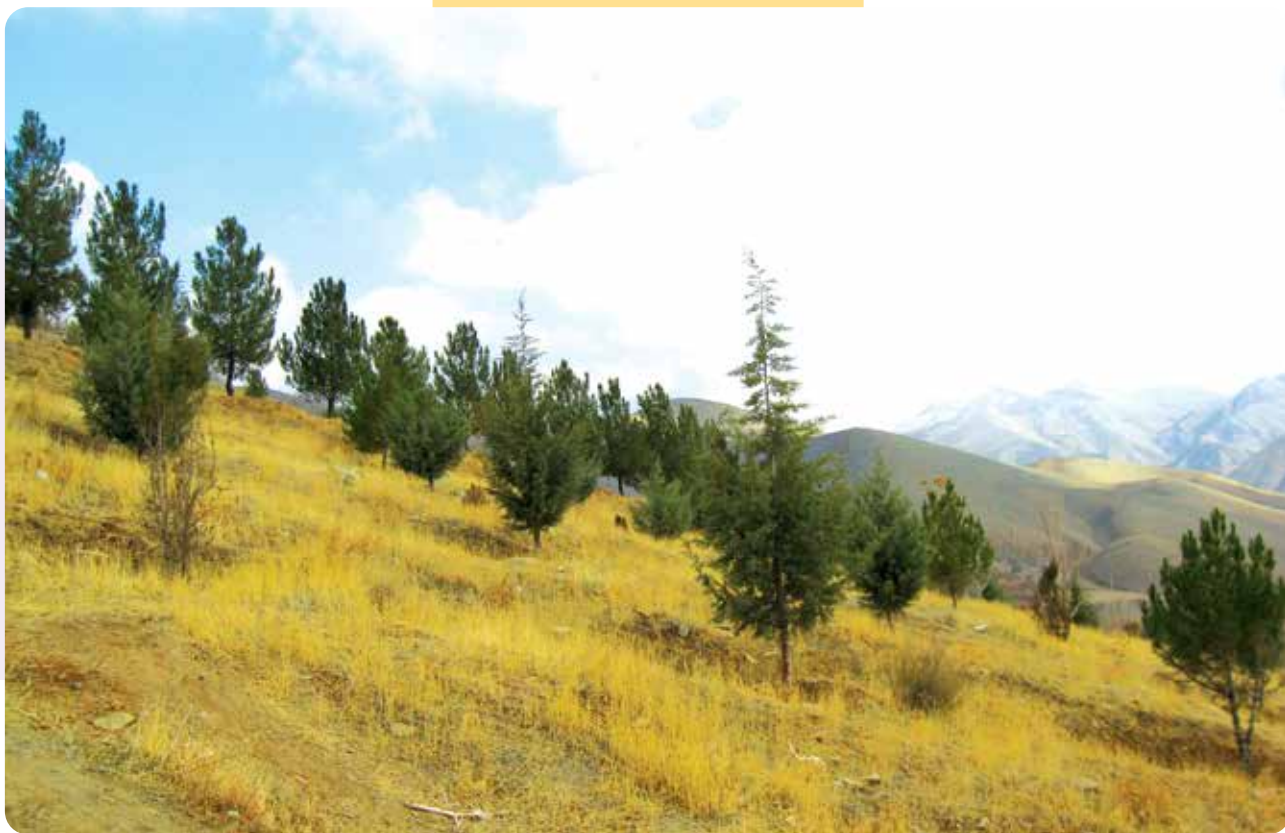
جنگل‌کاری‌های شهرستان رودهن استان تهران، پاییز ۱۴۰۰، عکس از ابوالفضل جعفری



از توسعه، تکامل، تعالی، فناوری و منابع مالی را با خود به همراه می‌آورد، ولی وقتی به‌طور مقطعی روی موضوعات متمرکز می‌شویم و از یک موضوع به موضوع دیگر می‌رویم، نه تنها فعالیت‌های سازمان، بلکه فعالیت‌های تحقیقاتی مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور و دانشگاه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهیم. یک سؤال رادیکالی محوری این

خصوصی و احیا و توسعه جنگل‌کاری در بدنه خود سازمان خواهان آن نهال‌هاست، در این جاست که بخش خصوصی متمرکز بر این کار ایجاد می‌شود. یک مصداق بارز در این خصوص این است، وقتی سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران، در حال توسعه پارک‌های شهری بود، قوی‌ترین تولید نهالستان‌ها و قوی‌ترین پیمانکارهای جنگل‌کاری، در اطراف شهر تهران شکل گرفته بودند. وقتی سازمان پارک‌ها و فضای

طبیعت ایران همان‌طور که اشاره شد، برای اجرای برنامه‌های احیا و توسعه دو بعد علمی و اجرایی باید مورد توجه قرار گیرند. در بعد علمی حتماً تحقیقات انجام‌شده در مورد سازگاری و شیوه کاشت گونه‌های مختلف در مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع، همچنین تجارب سازمان در جنگل‌کاری‌های سنواتی می‌توانند راهگشا باشند. در بعد اجرایی و موانعی که به آنها اشاره شد، در برنامه‌های



جنگل‌کاری‌های شهرستان رودهن استان تهران، پاییز ۱۴۰۰، عکس از ابوالفضل جعفری

است، چرا در حوزه منابع طبیعی کشور، بخش خصوصی قدرتمندی نداریم؟ علت آن را باید در زیگزاکی حرکت کردن سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور جستجو کرد. وقتی این سازمان، دارای یک برنامه مدون و ممتد باشد، بخش خصوصی نه تنها آن را با رغبت کامل انجام می‌دهد، بلکه می‌داند وقتی هر ساله نهال را تولید کند، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور به‌عنوان زراعت چوب کشور در بخش

سبز شهر تهران، هدف خود را تغییر داد، تمام پیمانکارهای این موضوع، ورشکسته شدند یا تغییر شغل دادند. هر برنامه‌ای که در هر شهر، یا هر کشوری پیاده می‌شود، ضمن دنبال کردن هدف، باید دو عامل ۱- ایجاد منابع جدید مالی و ۲- ایجاد ظرفیت‌های جدید را در نظر داشته باشد. این اتفاق زمانی روی می‌دهد که برنامه‌ها با رویکرد ملی و دور از مقطع‌نگری، همچنین هدف‌مند و جهت‌دار باشند.

آینده و به‌خصوص در مورد کاشت یک میلیارد نهال در مدت چهار سال، برنامه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری چیست؟ چگونه می‌خواهد این مهم را عملی کند؟ جناب آقای دکتر شعبانیان از نظرات ارزشمند اساتید معزز و دارای فن، جناب آقای دکتر جلیلی، دکتر پوره‌اشمی، دکتر پورمقدم و دکتر رحمانی بهره بردم. خوشبختانه در کشور ما تحقیقات خوبی در زمینه احیا و توسعه جنگل‌ها انجام

شده است، اگرچه تمرکز این تحقیقات تاکنون بیشتر روی سازگاری گونه‌ها بوده است، ما باید علاوه بر موضوع سازگاری گونه‌ها، نیازهایمان را نیز ببینیم. جناب آقای دکتر پورمقدم اشاره کردند، در برنامه احیا و توسعه جنگل‌ها از برنامه چهارم به بعد، شاهد نوعی کم‌توجهی هستیم. هر ساله اعتبار سازمان در بخش جنگل در برنامه توسعه‌ای کشور کم‌تر و کم‌تر شده است. اگر در برنامه هفتم هم با این روند حرکت کنیم، وضعیت بهتری نخواهیم داشت. براساس روند سال‌های گذشته از لحاظ اعتبار توسعه و احیای جنگل‌ها و با توجه به مشکلات موجود در کشور، نمی‌توان به بهبود اعتبار برای توسعه و احیای جنگل‌ها در برنامه هفتم امیدوار بود. در خصوص «طرح تولید و کاشت یک میلیارد نهال در کشور» باید خدمتتان عرض کنم، به دنبال روند تخریب جنگل‌ها و بروز مشکلات محیط‌زیستی در دنیا و نیز نقش درختان و جنگل‌ها در کاهش این مشکلات، توجه به جنگل و کاشت درخت در دنیا به‌عنوان یک نهضت جهانی شکل گرفت، به‌طوری‌که در کشورهای نظیر کره جنوبی، چین، یا ترکیه در بحث احیا و توسعه جنگل، اقدامات قابل توجهی انجام شده است. به‌عنوان مثال، کشور ترکیه طی ده سال، تولید و کاشت ۶/۵ میلیارد نهال را برنامه‌ریزی کرده است و کشور پاکستان تولید و کاشت ۳ میلیارد نهال را طی ده سال در دستور کار دارد. وقتی صحبت از یک میلیارد نهال در کشور می‌شود، سؤالات زیادی در اذهان شکل می‌گیرد، چگونه و با چه برنامه‌ریزی می‌توان این طرح را عملی کرد؟ خدمتتان عرض کنم که این طرح ابتدا به‌صورت پیشنهادی از طرف وزیر محترم جهاد کشاورزی، جناب آقای دکتر ساداتی‌نژاد مطرح شد. سپس در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری روی این پیشنهاد و ضرورت اجرای آن مطالعه و راهکار عملیاتی کردن آن از نظر فنی بررسی شد و در نهایت به‌صورت یک طرح تدوین و تصویب شد، رئیس‌جمهور محترم نیز با توجه به ارزش جنگل و درخت، روی این طرح تأکید زیادی دارند. در سازمان منابع

طبیعی با توجه به روند نزولی توسعه جنگل و جنگل‌کاری‌ها در کشور در سال‌های اخیر، طرح تولید و کاشت یک میلیارد نهال به‌عنوان یک فرصت دیده و از آن استقبال شد. با تأکیدی که وزیر محترم جهاد کشاورزی و رئیس‌جمهور محترم برای اجرای این طرح دارند، این طرح فرصتی برای احیا و توسعه جنگل در کشور است.

براساس این طرح مقرر شد، طی چهار سال (شروع از سال ۱۴۰۲)، یک میلیارد نهال در سراسر کشور در سه بخش تولید و کشت شود، بخش اول، احیا و غنی‌سازی جنگل‌ها، جنگل‌کاری در مناطق خشک و بیابانی با هدف تثبیت شن‌های روان و کنترل گسترش بیابان‌ها و ریزگردها، بخش دوم، افزایش سرانه فضای سبز شهری در داخل و اطراف شهرهای کوچک و بزرگ و بخش سوم، توسعه زراعت چوب در کشور به‌منظور تأمین بخشی از نیاز چوبی کشور با هدف کاهش فشار روی جنگل‌های طبیعی. سازمان منابع طبیعی با توجه به ضرورت این طرح بر اجرای آن مصمم است. انتقاداتی هم بر چگونگی اجرای این طرح وارد می‌شود، ولی با بررسی‌های به‌عمل‌آمده در سازمان منابع طبیعی کشور و با توجه به زیرساخت‌های موجود در کشور، این طرح به‌خوبی قابل اجراست و فواید زیادی را هم به دنبال خواهد داشت. هزینه اجرای این طرح بیشتر با مشارکت مردمی و مسئولیت‌های اجتماعی صنایع و معادن و دستگاه‌های مختلف، همچنین ۱۸۴۵۰ میلیارد تومان از بودجه عمومی کشور پیش‌بینی شده است. در سال ۱۴۰۱، باید زیرساخت‌های اجرای طرح از قبیل آماده‌سازی نهالستان‌ها و تهیه بذر و قلمه آماده شود که تاکنون اقدامات انجام‌شده رضایت‌بخش هستند. همان‌طوری که عرض کردم، انتقاداتی در اجرای این طرح بر سر مسائل مختلف وجود دارد، یکی از این انتقادات در بخش زراعت چوب است که خوشبختانه در بخش خصوصی با توجه به توقف بهره‌برداری از جنگل‌های شمال و افزایش قیمت چوب در کشور متقاضیان زیادی دارد و حدود ۴۰۰ میلیون نهال را طی چهار سال به این بخش اختصاص

دادیم. بخشی از انتقادات مربوط به آب موردنیاز برای توسعه فضای سبز است، بنده معتقدم با انتخاب گونه مناسب و اصلاح شیوه و میزان آبیاری، فضای سبز کشور را می‌توان حداقل به دو برابر میزان کنونی ارتقا داد.

جناب آقای دکتر جلیلی انتقاد ما، روی تولید و کاشت یک میلیارد نهال نیست، انتقاد ما از انفعال سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور است. اگر، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور برنامه داشت و رئیس محترم آن سازمان آن را بیان می‌فرمودند، در قالب برنامه سازمان کاشت چند میلیارد نهال هم عملی می‌شد. انتقاد دیگری که وجود دارد، جزیره‌ای فکر کردن و توقف برنامه‌ها با تغییر و جابه‌جایی مدیران است. همگی مستحضرید که ستاد توسعه زراعت چوب در مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور شکل گرفته و ۴۰ نفر از بهترین محققان مؤسسه درگیر این کار هستند. نقشه‌های بسیار خوبی تهیه و مقرر شد، هم‌زمان ارقام پرمحصول، هر سال تا ۳۵ میلیون قلمه در اختیار سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور قرار گیرد، ولی متأسفانه این برنامه با تغییر مدیران دچار رکود شد. در گذشته نه چندان دور، براساس بررسی‌ها، برآورد کردیم، با ارسال ۳۵ میلیون قلمه به شهرستان‌ها، تولید چوب در هکتار به رقمی حدوداً دوبرابر می‌رسد. ستاد زراعت چوب شبانه‌روزی فعالیت می‌کرد، جایگاه مؤسسه در این ستاد مشخص بود، هم‌اکنون این جایگاه کجاست. متأسفانه، جایگاه مؤسسه کاملاً به حاشیه رانده شده است. قریب به ۴۰-۳۰ هکتار از زمین تولید قلمه و نهال به حال خود رها شده‌اند. بحث اصلی حرکت برنامه‌ای- ستادی است. سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور باید این ستاد را حفظ می‌کرد و مؤسسه را وادار می‌کرد، تعهدات خود را به سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور ادا کند، درضمن از مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور



می‌خواست، پایش را انجام دهد. هم‌اکنون اما، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، به‌تنهایی پیگیر مسائل آن است و مشخص نیست نقش مؤسسه در برنامه‌ای که ساعت‌ها وقت و انرژی صرف تهیه آن کرده، کجاست؟

جناب آقای دکتر شعبانیان فرمایش جناب‌عالی را کاملاً قبول دارم. مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، در موضوع زراعت چوب و تولید قلمه‌های ارقام سریع‌الرشد کارنامه خوبی دارد که از این بابت از همکاران مؤسسه تشکر می‌کنم، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور در اجرای طرح «تولید و کاشت یک میلیارد نهال» بی‌شک به همکاری تنگاتنگ مؤسسه نیاز دارد و حتماً در این خصوص برنامه‌ریزی خواهد شد.

در اجرای این طرح بیشترین مشکل ما شاید در بخش احیا و غنی‌سازی عرصه‌های جنگلی باشد که به‌دلیل مشکلات معیشتی مردم در مناطق مختلف و حضور دام در جنگل، نگهداری نهال‌های کاشته‌شده کار بسیار سختی است، در این بخش هم نیاز به همکاری ملی همه دستگاه‌هاست.

جناب آقای دکتر جلیلی

آیا از بودجه آبخیزداری در سال ۱۴۰۱ آگاه هستید؟

جناب آقای دکتر شعبانیان

متأسفانه از این موضوع، اطلاع دقیقی ندارم ولی می‌دانم که نسبت به اعتبار بخش جنگل مقدار قابل‌توجهی است. در کشور ایران در سال‌های اخیر فعالیت‌های آبخیزداری خوبی در عرصه‌های منابع طبیعی انجام شده، ولی به نظر من هنوز معنی آبخیزداری و اهداف واقعی آن در کشور ما به‌خوبی درک نشده است. از نظر من هر گونه عملیات آبخیزداری باید در رابطه با ارتقای پوشش گیاهی در عرصه‌های منابع طبیعی باشد که اگر این هدف دنبال شود، در فعالیت‌های آبخیزداری با تمرکز بیشتر روی عملیات بیولوژیکی

می‌توان بخش چشمگیری از عرصه‌های منابع طبیعی را احیا و از فرسایش آنها جلوگیری کرد. من مخالف عملیات مکانیکی در آبخیزداری نیستم، زیرا در برخی عرصه‌ها ممکن است وضعیت منطقه به‌حدی تخریب شده باشد که مجبور باشیم از عملیات مکانیکی برای مساعد کردن شرایط و تقویت پوشش گیاهی عرصه استفاده کنیم، ولی با اینکه تمام فعالیت آبخیزداری را در قالب عملیات مکانیکی ببینیم، مخالف هستیم.

طبیعت ایران

جناب آقای دکتر پورمقدم، جناب آقای دکتر شعبانیان اشاره کردند، باید به بهترین نحو، از این فرصت به‌وجودآمده استفاده و برنامه‌ای را تدوین کنیم که مفید باشد و در احیا و توسعه جنگل‌ها نقش داشته باشیم. جناب‌عالی بفرمایید در برنامه پیش‌رو چگونه نقاط ضعف اجرایی برنامه‌های قبل مثل کمبود اعتبارات، حفاظت بعد از کاشت، کمبود آب و خشک‌سالی، حفاظت و جلب مشارکت مردم، تولید نهال گونه‌های موردنیاز و ... را پوشش داده‌اید؟ آیا در این برنامه تلاش شده از اعتبارات بین‌المللی استفاده شود؟ کاری که بسیاری از کشورها از جمله ترکیه انجام داده است.

جناب آقای دکتر پورمقدم

ابتدا به سؤال جناب آقای دکتر پورهاشمی پیرامون برنامه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور برای مرحله بعد از کاشت نهال‌ها در برنامه احیا و توسعه جنگل اشاره می‌کنم، برنامه بعدی پس از اجرای برنامه احیا و توسعه جنگل در قالب کاشت نهال، حفاظت و نگهداری است. در پروژه‌های احیایی معمولاً برای نگهداری به مدت یک سال آینده با پیمانکار قرارداد می‌بندیم و برای مراقبت و نگهداری برای سه سال آینده نیز اعتبار در نظر می‌گیریم. برای این امر، باید برنامه‌ریزی دقیقی مثلاً برای مسائل پرورشی آن توده جنگلی انجام شود که متأسفانه هم‌اکنون انجام نمی‌شود. بحث اصلی امروز سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری، بحث حفاظت و نگهداری است. جناب آقای دکتر جلیلی بحثی را

در خصوص زراعت چوب مطرح کردند و پرسیدند چرا برنامه‌ها مدون نیست. موضوع مدیریت اجرایی را در کشور باید از بالاترین سطح برنامه‌ریزی در کشور (برنامه‌های توسعه‌ای) نگاه کنیم. چقدر از اهداف کمی برنامه‌های توسعه‌ای کشور محقق شده است؟ چقدر از اهداف تکلیفی که از قانون برنامه بوده است، محقق شده است؟ متأسفانه این عرف و روند در کشور وجود دارد، با تغییر افراد، سیاست‌ها نیز تغییر می‌کند. درست یا غلط بودن روند مقصود بنده نیست. این تغییر نگرش‌ها و رویه‌ها نه‌تنها به یک مجموعه کوچک/ بزرگ، بلکه در کل کشور و در سیستم اجرایی آن حاکم است. بنابراین، باید در قالب یک برنامه مدون حرکت کنیم. با توجه به وضعیت مدیریت اجرایی در کشور، اینکه یک برنامه از دهه ۸۰ آغاز شود و تا سال ۱۴۵۰ ادامه داشته باشد، تقریباً ناشدنی است. تمام تلاش ما، در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور این است که حداقل تغییرات را در سیاست‌ها داشته باشیم. به‌ویژه هنگامی که تغییر در مدیریت‌ها ایجاد می‌شود، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور سعی کرده است، کمترین تغییرات را داشته باشد. خوشبختانه با توجه به اینکه جناب آقای دکتر نوبخت از بنده سازمان و معاون جنگل سازمان بودند، می‌توان گفت ۹۵-۹۰ درصد از سیاست‌های قبلی حاکم بر بخش جنگل هنوز در حال انجام است. این مهم باعث می‌شود، امیدواری بیشتری ایجاد شود. البته که گاهی سیاست‌ها تغییر می‌یابد، به‌عنوان مثال در سال ۱۳۸۹، قانونی با عنوان افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب شد. بخشی از ماده ۱۵ این قانون می‌گوید، سرانه پوشش جنگلی و فضای سبز کشور باید از ۰,۱۷ هکتار به ۰,۲۵ هکتار افزایش یابد. در همان سال، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، طرحی را با عنوان افزایش سرانه فضای سبز و پوشش جنگلی برای تکلیف ماده ۱۵ تهیه کرد. از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۴۰۰ (۱۰ سال)، برآوردی داشتیم، طی این ده سال، موافقت‌نامه‌ها، اعتبارات، معاونت‌ها

و رؤسا تأثیرگذارند، مقرر شده بود از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۴۰۰ (۱۰ سال) ۵۰۰ میلیون اصله نهال کاشته شود، طی این ۱۰ سال، ۱۵۶ میلیون اصله نهال کاشته شد. ذکر این نکته لازم است که این قانون همچنان نافذ است. چرا در طی این ۱۰ سال تنها ۱۵۶ میلیون اصله نهال کاشته شد، چرایی آن را باید در مشارکت بخش‌ها/ نهادهای مشارکت مردمی، یا مسئولیت اجتماعی بخش خصوصی جستجو کرد. بخشی از ماده ۱۵ به طرح‌های سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور از جمله طرح جنگلداری، طرح‌های آبخیزداری و طرح‌های زراعت چوب برمی‌گشت. تقریباً ۸۰-۷۰ درصد نهال‌کاری که تکلیف سازمانی متنوع بود، متناسب با اعتباراتی که گرفتیم، محقق شد. بخشی از ماده ۱۵، به شهرداری‌ها برمی‌گشت. یکی از تکالیف شهرداری‌ها، افزایش سرانه پوشش سبز در قالب ۲۵ درصد واگذاری‌ها بود. بخشی دیگر به تعهد صنایع برمی‌گشت، با توجه به اینکه، دولت تکلیفی برای شهرداری‌ها و صنایع در نظر نگرفته بود، انجام این تکلیف بر عهده سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور قرار گرفت و محقق نشد. قانون افزایش سرانه فضای سبز و پوشش جنگلی ماده ۱۵ که از بین نرفته است، بنابراین، این کار نیز باید جزو طرح‌های ادامه‌دار باشد. وقتی وزیر محترم موضوع تولید و کاشت یک میلیارد نهال را مطرح کردند، با توجه به آسیب‌شناسی که از ماده ۱۵ داشتیم، با کمک آقای دکتر شعبانیان، دسته‌بندی را انجام دادیم. یک بخش زراعت چوب است که جناب آقای دکتر شعبانیان توضیحات مبسوطی ارائه کردند، همان‌طور که ایشان اشاره فرمودند، تقاضای مردمی در این خصوص بسیار زیاد است. در بحث توقف بهره‌برداری، قیمت و ارزش چوب بسیار زیاد شده است، پتانسیل در بخش خصوصی وجود دارد. این بخش اعم از مردم در مستثنیات- کارخانجات می‌توانند سطوح وسیعی را زیرکشت گونه‌های سریع‌الرشد ببرند. می‌توانیم شاهد تحقق کشت گونه‌های سریع‌الرشد توسط مردم در مستثنیات، یا کارخانجات با درصد اطمینان

بالا باشیم. سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور برای تأمین مالی طرح تولید و کاشت یک میلیارد نهال، در حال به‌کارگیری پتانسیل‌های موجود در مسئولیت اجتماعی سازمان‌هایی نظیر نفت، گاز و پتروشیمی است. در حال جذب سرمایه مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها، طرح تولید و کاشت یک میلیارد نهال را آغاز کردیم و امیدواریم این کار ادامه‌دار باشد. آسیب‌شناسی ماده ۱۵ و تولید و کاشت یک میلیارد نهال نشان می‌دهد، کار ادامه‌دار در حال حرکت رو به جلو است. اگر قالب کار را مشاهده کنید، یک کار ادامه‌دار و مدون است و نه تنها تمامی ارکان سازمان از جمله رئیس محترم سازمان، بلکه وزیر محترم و رئیس‌جمهور محترم از برنامه‌ها حمایت می‌کنند، تا برنامه مدنظر محقق شود. در ارتباط با به‌کارگیری ظرفیت‌های بین‌المللی برای پیشبرد اهداف سازمان باید عرض کنم، سال ۱۳۹۷، ارتباطی با دبیر UNFF (United Nations Forum on Forests)، مجمع بین‌المللی جنگل سازمان ملل گرفته شد. با توجه به اینکه دولت‌ها در توافق‌نامه پاریس تلاش می‌کنند، میزان انتشار گاز دی‌اکسیدکربن را کم کنند، ایران نیز بیان کرد در صورت لغو تحریم‌ها و امکان انتقال فناوری، تا ۱۲ درصد انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش خواهد داد، از همین ظرفیت و تعهد ایران استفاده کردیم و با همکاری مجمع بین‌المللی جنگل سازمان ملل یک مشاور بین‌المللی گرفتیم، از یک مشاور ملی (آقای میرقاسمی) هم کمک گرفتیم. طرحی را با عنوان «مدیریت پایدار جنگل» برای استفاده از ظرفیت صندوق بین‌المللی GCF (Green Climate Fund)، (صندوق اقلیم سبز) مطرح کردند. مشاور محترم ملی، یک بسته مفهومی (Concept Note) را تهیه کرد که منتج به طرح شد. طرح آماده‌شده با اعتباراتی که برای آن در نظر گرفته شد، برای همکاری با سازمان‌های بین‌المللی آماده شد و حتی با دستگاه‌هایی نظیر وزارت نفت که می‌توانستند به آن کمک کنند، وارد مذاکره شدیم. وزارت نفت مسئولیت بیشتری در تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای داشت، سازمان منابع

طبیعی و آبخیزداری کشور، طی مذاکرات، به این وزارتخانه اعلام کرد، با توجه به شرایط تحریم و در صورت تمایل به به‌روزرسانی صنایع و تکنولوژی، با هزینه‌های سرسام‌آوری مواجه هستید، با توجه به اینکه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور میزان تولید گاز دی‌اکسیدکربن این وزارتخانه را محاسبه کرده است، معادل آن باید درخت‌کاری شود که آنها استقبال کردند، در واقع معادله‌ای سودآور بود که این وزارتخانه با استفاده از مسئولیت اجتماعی خود، نسبت به این مهم اقدام کند، در نهایت پس از انجام، این مهم را به مجامع بین‌المللی ارائه می‌دهیم. این طرح در قالب زیرطرح‌های جنگلداری، مرتع، زراعت چوب و سایر به‌طور وسیع شکل گرفت. اعتبار آن نیز در قالب اعتبارات بین‌المللی دیده شد.

جناب آقای دکتر جلیلی

اگر طرح دارای پشتوانه علمی قوی باشد، می‌تواند اعتبار میلیارد دلاری داشته باشد.

جناب آقای دکتر پورمقدم

همین طور است که می‌فرمایید، این طرح از پشتوانه علمی قوی برخوردار است، همایشی نیز به همین منظور در هتل لاله برگزار شد. این طرح به Focal Point این موضوع، یعنی سازمان محیط‌زیست ارائه شد، آنها نیز ایراداتی گرفتند و خاطر نشان کردند که این طرح‌ها جزو اولویت کاری ما نیست. در نهایت باید به صندوق GCF معرفی می‌شد. وقتی طرح در مجامع بین‌المللی مطرح شد، به دلیل تحریم‌های موجود علیه کشور، هیچ کدام از صندوق‌های بین‌المللی نپذیرفتند که Fund (کمک هزینه) را به ایران بدهند. این صندوق‌های بین‌المللی کمک به ایران را رد نکردند و درخواست ما را مسکوت باقی گذاشتند. هم‌اکنون فاقد هرگونه اعتبار بین‌المللی در طرح‌ها هستیم. دلیل مسکوت ماندن طرح‌ها در صندوق‌های بین‌المللی این است که، اگر این موضوع را در کمیته‌های خود مطرح کنند، توسط کشور آمریکا و تو خواهد شد. در واقع این رژیم امپریالیستی به دلایل مختلف، اجازه استفاده از چنین کمک‌هزینه‌هایی را نمی‌دهد. در ارتباط با بحث آبخیزداری نیز با توجه به اینکه،



رئیس محترم سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور از بدنه سازمان هستند، به کرات بر حفظ پوشش گیاهی تأکید می‌کنند و اولویت اصلی ایشان است. سیاست فعلی رئیس محترم سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، حفظ و توسعه پوشش گیاهی در عرصه‌های مختلف کشور (جنگل - مرتع - بیابان) و آبخیز است، واقعیت این است که به‌عنوان عامل اول، وقتی، لایحه بودجه بسته می‌شود و سپس چانه‌زنی برای گرفتن اعتبار بیشتر پررنگ می‌شود، نمایندگان محترم مجلس برای حوزه‌های انتخابی خود، در قالب آبخیزداری انتظاراتی دارند که باید برآورده شود.

جناب آقای دکتر شعبانیان
متأسفانه این کار اشتباه و اصلاح آن سخت است.

جناب آقای دکتر پورمقدم
یک‌سری از مسائل واقعیت دارند و قابل کتمان نیستند. این انتظار مردم محلی حوزه انتخابیه از نمایندگان است. ما نمی‌گوییم که کار بیهوده‌ای است، وقتی در منطقه حاضر می‌شوید، نیاز آن را احساس می‌کنید ولی سیاست‌های ما را پوشش نمی‌دهد. اگر هم‌اکنون برای جلوگیری از تخریب سیل برآوردی شده است، هدف از کارهای آبخیزداری این است که هنگام سیل، آسیب به زیرساخت‌های کشور به حداقل برسد.

جناب آقای دکتر جلیلی
در سیلی که امسال در امامزاده داوود اتفاق افتاد، کارهای اشتباه آبخیزداری به‌روشنی مشخص شد، اگر در کشور نظارت و پیگیری وجود داشت، حتماً به این موضوع می‌پرداخت.

جناب آقای دکتر شعبانیان
سازمان نیز این انتقادات را قبول دارد و آقای دکتر نوبخت، رئیس محترم سازمان به دفعات، در جلسه‌های مختلف بیان داشتند که عملیات آبخیزداری باید در خدمت ارتقای پوشش گیاهی باشد. اگر پوشش گیاهی را تقویت

کنیم، بسیاری از مشکلات حل می‌شود.
جناب آقای دکتر پورمقدم

در ارتباط با اعتبارات آبخیزداری، وزارت جهاد کشاورزی، چند طرح شاخص سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور را دنبال می‌کند، اولین طرح، طرح تقویت پوشش گیاهی و کاشت یک میلیارد نهال است، طرح دوم، افزایش تولید علوفه در مراتع و طرح سوم، آبخیزداری است.

جناب آقای دکتر جلیلی
طرح افزایش تولید علوفه در مراتع هم کاملاً اشتباه است.

جناب آقای دکتر پورمقدم
طرح‌های فوق، سیاستی است که در حال دنبال شدن است. موضوع تولید علوفه در مراتع جزو بحث و موضوع مطرح‌شده نیست، بنابراین به آن نمی‌پردازم. ولی درباره آبخیزداری، باید عرض کنم، هنگامی که اعتبارات سنگین آن را با سایر طرح‌ها مقایسه می‌کنید، دقیقاً همان نکته‌ای است که فرمودید، یعنی افزایش تولید علوفه در مراتع کاملاً اشتباه است، ولی، نیازهایی که عنوان می‌کنند، به ۰/۱ اعتبار آبخیزداری نیاز دارد. اگر ۱۰۰۰ میلیارد تومان به یک بخش می‌دهند و در عرصه ۱۰ هزار میلیارد تومان نیاز دارد، درواقع، اعتبارات لازم به آن تخصیص داده نشده است. در نگاه کلی، آبخیزداری ۹۲-۹۰ درصد بودجه را می‌بلعد و بخش اندکی هم به پوشش گیاهی (معاونت جنگل) اختصاص داده می‌شود. درخواست‌هایی که از بیرون در خصوص آبخیزداری می‌آید، باعث فشار مضاعفی بر سازمان شده است. جناب آقای دکتر نوبخت با تمام نیروهایی که دارد، درحال تلاش برای هدایت درست موضوع است. این مسائل از قبل از حضور ایشان نیز وجود داشته است. از زمانی که برای آبخیزداری از صندوق توسعه ملی در سال ۱۳۹۷، برای سه سال اعتبار گرفتند، کم‌کم به این سمت سوق پیدا کرد که اعتبارات این بخش افزایش بیابد و بیشتر روی عملیات مکانیکی و سازه‌ای سرمایه‌گذاری شد.

اگرچه بخشی از اعتبارات صندوق توسعه ملی، به پوشش گیاهی اختصاص یافت، اما در نگاه کلی، وزنه اعتبارات آبخیزداری سنگین‌تر بود. جناب آقای دکتر نوبخت به‌شدت در حال تلاش برای ایجاد تعادل این اعتبارات هستند. ایشان در حال تلاش بسیار برای برگرداندن فرمان این خودرو به جاده اصلی هستند. این تلاش با توجه به انتظاراتی که در بیرون وجود دارد، طی ۱-۲ سال اتفاق نمی‌افتد. وقتی نمایندگان محترم مجلس، درخواست می‌کنند، برای روستایی که در معرض سیل است، سازه‌ای احداث شود، هر چقدر هم بگوییم، باید در بالادست پوشش گیاهی و مواردی از این دست ایجاد کنیم، این نماینده استدلال خود را دارد که، سیل موجب تخریب این روستا می‌شود.

طبیعت ایران
آقای دکتر شعبانیان، در ابتدای صحبت‌هایتان فرمودید، ما باید برنامه جدید را با توجه به مشکلات روز، نظیر گرد و غبار، آلودگی هوا و سایر موارد با اهداف جدید پایه‌ریزی کنیم و برنامه‌های جدید با برنامه‌های قبلی متفاوت باشد. لطفاً توضیح دهید، در برنامه جدید تولید و کاشت یک میلیارد نهال این اهداف را مد نظر قرار دادید؟ چگونه می‌خواهید چالش‌هایی را که در کشور وجود دارند و در این جلسه هم به آنها اشاره شد و مانع کار هستند، برطرف کنید؟ طبق نکته‌ای که در گفت‌و‌گویی قبلی مطرح شد، لازمه کاشت وسیع و موفقیت در جنگل‌کاری‌ها، داشتن عزم ملی است و کشورهایی که در این راه موفق عمل کردند از جمله ترکیه، کره جنوبی و چین با آماده کردن افکار عمومی و ایجاد عزم ملی، امکانات کشور را بسیج کرده و موفق شدند. راهکار سازمان برای عملی کردن این برنامه و همراه نمودن سایر دستگاه‌ها و مردم چیست؟

جناب آقای دکتر شعبانیان
ممنون از بحث‌های بسیار خوبی که شکل گرفت. طرح ملی تولید و کاشت یک میلیارد نهال در کشور طی چهار سال کار بسیار

بزرگی است، به طوری که می‌توان گفت در پنجاه سال گذشته تولید و کاشت این میزان نهال در کشور سابقه نداشته است و بی‌شک بدون مشارکت مردمی و سایر دستگاه‌های دولتی و خصوصی امکان‌پذیر نیست، به عبارت دیگر به معنای واقعی نیاز به یک عزم ملی است. برای رسیدن به اهدافی که در ابتدای گفت‌وگو در مورد جنگل‌کاری عرض کردم، ما با توجه به نیازهای منطقه‌ای و شرایط اقلیمی در مناطق مختلف برنامه‌ریزی به نسبت دقیقی انجام دادیم و با توجه به یافته‌های علمی موجود در کشور و در دنیا، مقدار و نوع گونه‌های مورد نیاز در هر منطقه را در بخش زراعت چوب، احیا و غنی‌سازی جنگل، کنترل گسترش بیابان‌ها و کنترل گرد و غبار و شن‌های روان و توسعه سرانه فضای سبز شهری و حاشیه شهرها مشخص کردیم. جلساتی با دستگاه‌های مختلف و بخش‌های خصوصی در رابطه با مسئولیت اجتماعی آنها در ستاد، همچنین در استان‌های مختلف داشتیم و خواهیم داشت. برای اجرای طرح پایش سامانه‌ای تشکیل شد که می‌توان تمام فعالیت‌ها را در آن ثبت و رصد کرد. در مجموع اجرای این طرح را در کشور به فال نیک می‌گیرم و اعتقاد دارم که اجرای آن برای کشور از جنبه‌های مختلف به‌ویژه از جنبه امنیت زیستی بسیار مفید خواهد بود.

جناب آقای دکتر پورمقدم

همه بحث‌هایی که مطرح شد و نظر آقایان دکتر پورهایمی و دکتر جلیلی درباره اینکه برنامه باید مدون و مشخص و دارای یک روند باشد، همگی درست است. ما هیچ‌گونه واکنش غیرعادی منفی در این زمینه نداریم. همیشه در کار مشکلات و ایراداتی وجود دارد، بحث یک میلیارد نهالی که آقای دکتر شعبانیان بیان داشتند، واقعاً فرصتی مناسب و درخور برای حرکت است. نمی‌توانیم ادعا کنیم که این طرح منطبق بر همه استانداردها و به‌طور کامل شروع می‌شود. ایرادات و محدودیت‌هایی که در کار وجود دارد، خیلی زیاد است، ولی این مهم، فرصتی برای حرکت بخش‌های خصوصی و بیدار شدن حس مسئولیت اجتماعی آنهاست

که متعهد شده‌اند. در گذشته، نمی‌توانستید شاهد شکوفایی مسئولیت اجتماعی بخش خصوصی، صنایع و معدن‌داران باشید، مثلاً اگر به صنایع، معدن‌داران، یا بخش خصوصی ابراز می‌کردید که در رابطه با حفظ محیط‌زیست و مسئولیت اجتماعی به جنگل‌کاری یاری دهید، آنها همکاری نمی‌کردند. امروزه، با توجه به صحبت‌های توجیهی توانسته‌ایم، مشارکت‌های صنایع و معادن را به کار بگیریم که خود گام بزرگی است، نقش مسئولیت اجتماعی صنایع و معادن روزبه‌روز در حال پررنگ‌تر شدن است. با افزایش رشد مسئولیت اجتماعی معادن و صنایع، در سال‌های آینده، می‌توانیم از مسئولیت اجتماعی بخش خصوصی استفاد کنیم. تأمین اعتبار مالی مورد نیاز کاشت و تولید یک میلیارد نهال را به سازمان برنامه و بودجه دادیم و پیگیر هم هستیم. کاشت و تولید یک میلیارد نهال، می‌تواند گام بسیار بزرگی قلمداد شود، چراکه تعداد زیادی از نهالستان‌ها که مخروبه شده بودند، به‌واسطه این طرح زنده شدند. اعتباری نداشتیم، حتی اعتباری که برای نهالستان‌های استانی می‌دادند، برای پرداخت حقوق پرسنل مصرف می‌شد و از درصد بسیار جزئی از آن برای تولید نهال استفاده می‌کردند، امیدوارم در آینده، همگان به همه اصول مرتبط پایبند باشند و گام به گام به موفقیت‌های بعدی نزدیک شویم.

جناب آقای دکتر جلیلی

وقتی در ارتباط با منابع طبیعی به‌عنوان وظیفه دولت صحبت می‌کنیم در اصل از وظایف و مسئولیت ملی سازمان محیط‌زیست، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور و مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور حرف می‌زنیم. اگر قرار بر نقد است، این سازمان‌ها و مؤسسه تحقیقاتی را باید در ترازوی نقد گذاشت. ما می‌توانیم، اثر توسعه اشتباه کشور بر محیط‌زیست را نقد کنیم. ما می‌توانیم بگوییم، اگر رویکرد توسعه درست انتخاب می‌شد، جامعه از لحاظ رفاه وضع خوبی داشت، ارتباط معیشتی با طبیعت و فشار بر آن کمتر می‌شد، بحث و نقد احیا و

توسعه جنگل، وظیفه ماست. در سال ۱۳۹۸، بحث‌های خوبی انجام شد که ماحصل آن، تجربه خوب در زراعت چوب بود. این تجربه خوب، حاصل ساعت‌ها بحث کارشناسی در شورای راهبردی مؤسسه بود که آن را به دست آورده بودیم و این بسته علمی - اجرایی را در اختیار سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور قرار دادیم. در کنار این بسته، یک سری وظایف نیز به مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور محول شده بود، از آن جمله می‌توان به تأمین قلمه‌های ارقام پرمحصول اشاره کرد. در خصوص احیا و توسعه جنگل نیز به الف - بسته عملیاتی - اجرایی احیا و توسعه و ب - بسته علمی نیاز داشتیم، طی دو سال با محوریت بخش جنگل، نسبت به تهیه نقشه و سطح عملیات اقدام کردیم. پروژه‌های وسیعی در سطح جنگلی زاگرس، هیرکانی، ایرانی - تورانی و جنگل‌کاری سنواتی تعریف شد. مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، پس از تهیه نقشه‌ها به سازمان اعلام می‌کند، مثلاً امکان توسعه جنگل در منطقه زاگرس A درصد است و امکان احیای جنگل در همان منطقه، B درصد است و برای سایر مناطق نیز به همین شکل است. در این بسته، موضوع بذرگیری، محاط بذرگیری و باغ بذر را مطرح کردیم. ساعت‌ها جلسه کارشناسی گذاشتیم تا بسته‌ای که سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور دریافت می‌کند، مبتنی بر رویکرد طبیعی و اکوسیستم‌محور باشد. قرار بود، امسال، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، بسته برنامه احیا و توسعه جنگل را در اختیار سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور قرار دهد. تاکنون، ۹۰ درصد کار را انجام دادیم. این بسته، منحصر به فرد است. در زراعت چوب، سالانه باید ۶۵۰ میلیون قلمه کاشته شود تا بتوانیم سطح وسیعی از زراعت چوب را داشته باشیم و به‌تنهایی با احیای جنگل‌ها، در پهنه زاگرس، حتی می‌توانیم از یک میلیارد نهال عبور کنیم. وقتی این بسته علمی را در اختیار تان قرار دهند، با توجه به اینکه، سطح، گونه و سایر موارد مشخص است، به راحتی می‌توانید برنامه‌ریزی کنید. با ارائه برنامه احیا و توسعه جنگل می‌توان به سؤالات زیر پاسخ داد:



الف- چقدر به سرانه جنگل‌های کشور افزوده می‌شود؟
 ب- در ظرفیت ترسیب کربن به چه رقمی می‌رسیم؟
 ج- ظرفیت تولید نهال برای بخش خصوصی چقدر است؟
 د- چقدر چوب تولید می‌شود؟

طبیعت ایران

آقای دکتر پورهاشمی لطفاً بفرمایید در برنامه‌ای که برای کاشت یک میلیارد نهال در سازمان در حال ارائه است، نقش مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع چیست؟ آیا برنامه تهیه‌شده در کارگروه احیا و توسعه در مؤسسه به سازمان ارائه شده است؟ آیا این برنامه می‌تواند کمکی برای سازمان باشد؟

جناب آقای دکتر پورهاشمی

بنده از پرسش آقای دکتر جلیلی شروع کنم. در حال حاضر تنها بخشی از نقشه‌سازی اراضی مناسب احیا و توسعه در ناحیه رویشی صحارا- سندی باقی مانده است. پس از جلسه‌ای که به‌تازگی در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور داشتیم، این برنامه برای شورای راهبردی سازمان ارسال شد. این برنامه حاوی اطلاعات کاملی از قبیل اطلاعات بنیادین (تعاریف)، تجارب کشورهای مختلف، اسناد ملی و بین‌المللی مرتبط با موضوع، نقشه‌های عرصه‌های مناسب احیا و توسعه، الزامات اجرایی، الزامات پژوهشی و شیوه‌نامه‌های مختلف است که در تلفیق با برنامه‌های سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

جناب آقای دکتر پورمقدم

در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور هم کار بسیار گسترده و خوبی انجام شده است، بدون تردید وقتی این کار با بسته تحقیقاتی شما در مؤسسه تلفیق شود، تکمیل‌تر خواهد شد.

جناب آقای دکتر پورهاشمی

دیدگاه ما این است که وقتی فضایی برای جنگل‌کاری در کشور ایجاد می‌شود، باید از این فضا استفاده کرد و برنامه احیا و توسعه جنگل‌های کشور را ارائه داد. به‌عنوان نمونه، اگر وزیر محترم اشاره می‌کنند که طرح کاشت یک میلیارد نهال ارائه شود، باید از این دیدگاه استفاده و برنامه احیا و توسعه ارائه شود. وقتی این برنامه مصوب شود، بخشی از کار، کاشت یک میلیارد نهال خواهد بود، اما موارد بسیار دیگری از جمله تجهیز زیرساخت‌هایی مانند نهالستان‌ها، لزوم شناسایی محوطه‌های بذرگیری، احداث باغ‌های بذر و زراعت چوب مورد توجه قرار خواهند گرفت.

جناب آقای دکتر شعبانیان

آیا برنامه تهیه‌شده در مؤسسه برای کل اکوسیستم‌ها در نظر گرفته شده است؟

جناب آقای دکتر پورهاشمی

بله، برای کلیه رویشگاه‌ها در نظر گرفتیم.

جناب آقای دکتر جلیلی

نقشه رویشگاه‌های خزر، زاگرس، صحارا- سندی، ایرانی- تورانی و جنگل‌کاری سنواتی تهیه شده است. مقرر شده بود یک نقشه روی زمین جلوی آقای دکتر شعبانیان بگذارند و بیان شود، سطح جنگل‌های کشور را روی نقشه مشاهده بفرمایید. در این سطح کلی، A درصد مربوط به سطح توسعه است و B درصد مربوط به سطح احیاست. برای اینکه تکلیف عرصه‌های جنگلی کاملاً مشخص و شفاف باشد، تمرکز بخش تحقیقات جنگل تنها روی این موضوع بود. بقیه تحقیقات مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع باید در همین رابطه کار کند و نباید به شکل جزیره‌ای کار کنند. این نقشه و سطح باید مشخص شود. در این بسته مشخص است که سطح هرگونه به چه میزان است و به چه میزان به آن نیاز داریم؟ ما باید به‌طور مجدانه و فارغ از هرگونه تعارفات عامیانه و سیاسی فعالیت کنیم و صحبت‌های کاملاً جدی با یکدیگر داشته باشیم.

جناب آقای دکتر پورهاشمی

شوربختانه، بدنه کارشناسی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور ضعیف شده است، به همین منظور باید نسبت به جذب نیرو اقدام کند، ولی تبدیل این نیروی تحصیل‌کرده، به یک نیروی فنی، در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست، هم‌اکنون، بهترین حالت را سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور (ناظر) برگزیده است.

طبیعت ایران

گویا مؤسسه و سازمان هر کدام به‌صورت مجزا روی برنامه احیا و توسعه کار و برنامه‌هایی تهیه کرده‌اند. لازم است این برنامه‌ها در کنار هم قرار گیرند و با تکمیل و هم‌افزایی برنامه نهایی تهیه شود. اگر بخش اجرا و تحقیقات در کنار هم قرار گیرند و از پتانسیل هر دو نهاد استفاده شود، حتماً برنامه موفق‌تر خواهد بود. چگونه می‌توان این مهم را عملی کرد؟

جناب آقای دکتر شعبانیان

از اینکه فرصتی فراهم شد تا درباره مسائل مربوط به احیا و توسعه عرصه‌های منابع طبیعی کشور دلسوزانه و موشکافانه بحث شود، سپاسگزارم. به این مسئله اعتقاد دارم که اگر سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور به‌دنبال موفقیت در اجرای طرح‌های خود از جمله طرح تولید و کاشت یک میلیارد نهال در کشور است، باید مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، دانشگاه‌ها و سایر مراکز علمی و تحقیقاتی مرتبط را به‌عنوان یک بازوی مشورتی قوی در کنار خود داشته باشد و بدون پشتوانه علمی تصمیمی نگیرد و اقدامی نکند، زیرا در عرصه‌های منابع طبیعی کشور دیگر فرصتی برای سعی و خطا نیست.

جناب آقای دکتر پورمقدم

بنده نیز از برگزاری چنین جلسه پربراری که با دغدغه خاطر و دلسوزانه به مسائل منابع طبیعی و محیط زیست کشور می‌پردازد، تشکر می‌کنم. پیرامون موضوع اصلی جلسه صحبت‌های زیادی شد. در ارتباط با همکاری دو بازوی علمی و اجرایی منابع طبیعی کشور باید عرض کنم که در مجموعه منابع طبیعی کشور، ما یک خلأ بسیار بزرگ داشتیم و

آن نبود اجماع است که باعث آسیب به منابع طبیعی کشور شده است. ملموس‌ترین و برجسته‌ترین مسئله، توقف بهره‌برداری جنگل‌های شمال کشور بود، در این موضوع، عده‌ای موافق (برداشت چوب) و عده دیگری مخالف (عدم برداشت چوب) بودند. بنده قضائاتی روی این موضوع ندارم. وقتی یک قانونی در کشور، تصویب می‌شود، ابتدا به مجلس و سپس به شورای نگهبان می‌رود و پس از تأیید، برای اجرا ابلاغ می‌شود. اگر اختلافی حادث شود، مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به رفع مشکل اقدام و آن کار را نهایی می‌کند. مصداق این فرایند، باید در مسائل منابع طبیعی نیز دیده شود. مشکل اصلی در مسائل منابع طبیعی این است که، ما به اجماع نظر قطعی نرسیدیم. در این قسمت باید یک منبع علمی قابل استناد وجود داشته باشد که نظر نهایی را بدهد، به عبارت بهتر، فصل‌الخطاب باشد. در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، این اعتقاد وجود دارد و این مهم باید در کشور جا بیفتد، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور باید نظر نهایی را بدهد. مثلاً در بحث گونه درختی پالونیا، عده‌ای موافق و عده‌ای مخالف کاشت آن هستند، یا در بحث ریزگرد، عده‌ای موافق و عده‌ای دیگر مخالف کاشت گونه گیاهی سمر هستند. مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور به‌عنوان متولی تحقیقات باید نظر نهایی را ارائه دهد. مثال دیگری را بیان می‌کنم که ملموس است، همان‌طور که همگان آگاهی دارید، بحث آمایش سرزمین در سطح کشور مطرح شد که بسیار پراشکال است. از طرف دادستانی استان فارس، نامه‌ای به سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور ارسال و ابراز شد، بر چه اساس و چه اصول استانداری باید در استان فارس، زراعت چوب انجام شود؟ براساس آمایش استانی، اصلاً جایی برای زراعت چوب در این استان وجود ندارد. سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور نامه مبسوطی را به همراه نقشه‌های تولیدشده توسط مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، به‌عنوان یک مرجع علمی، به دادستانی استان فارس ارسال کرد، پس از آن نامه مبسوط، هیچ نقطه تاریکی باقی نماند.

بیان چنین فرایندی، دیدگاه اینجانب است و این تفکر بر بیشتر بدنه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور حاکم است. این سازمان اجرایی، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور را به‌عنوان یک بازوی تحقیقاتی و یک برادر تنی در کنار خود می‌پندارد. سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور نیز روی برنامه احیا و توسعه جنگل کار کرده است. بدون تردید، اطلاعات این مؤسسه تحقیقاتی بسیار دقیق‌تر و مستندتر است. بسته این بازوی تحقیقاتی، می‌تواند در کنار این بازوی اجرایی قرار بگیرد و مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور آن را نهایی کند.

جناب آقای دکتر جلیلی

هر وقت، این دو بازو (تحقیقات و اجرا) در حوزه منابع طبیعی در کنار همدیگر قرار گرفتند، خروجی بسیار مناسبی از آن به دست آمد. خروجی وقتی با هم‌سویی دو نهاد (تحقیقات و اجرا) باشد. همگرایی این دو نهاد، نقشه راه شفاف‌تری را خواهد داشت که هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای را برای نهادهای بالادستی به وجود نخواهد آورد. هرچقدر سازمان‌ها و نهادهای اشاره‌شده، بیشتر ما را به چالش بکشند، بی‌شک، پاسخ‌های متنوع و استوارتری را دریافت خواهند کرد که باعث ایمان هرچه بیشتر آن‌ها نسبت به نقشه راه ترسیم‌شده خواهد شد. بنابراین، باید در پاسخ به سؤالات، چالش‌ها و ابرچالش‌ها، همگرایی دو نهاد (تحقیقات و اجرا) بیشتر شود. برنامه احیا و توسعه، برنامه بسیار بزرگی است. این برنامه تنها با یک اداره کل، کارشناس و سیستم دفتری نمی‌تواند اداره شود، این برنامه کلان راهبردی، نیازمند همکاری بین بخشی و دستگاهی و بسته‌های متعدد اعم از اجرایی - علمی است. یکی از کلیدی‌ترین بسته‌ها، بسته راهبردی است. در بسته راهبردی (همان‌طور که جناب آقای دکتر شعبانپایان اشاره کردند باید با زبان جهانی صحبت کنیم و با مسائل ملی به آن بپردازیم. ما در COP27 حضور جدی نداشتیم، این حضور نه چندان جدی، در توافق‌نامه پاریس هم مشاهده می‌شود. درحالی‌که مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور می‌تواند به شکل کمی صحبت کند.

با توجه به اینکه ایران هشتمین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای است، به‌وسیله ترسیب کربن، می‌تواند میزان انتشار خود را به مثلاً A درصد کم کند یا مثلاً سرانه جنگلی خود را به میزان B درصد افزایش دهد، یا مثلاً سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، نیاز جنگل‌کاری شهری را بیان کند نه شهردار. بسته راهبردی یک بسته پرچالش بین دستگاهی است. تهران و شهرهای اطراف آن، سالانه یک میلیارد مترمکعب آب مصرف می‌کنند. در تهران کل مصرف آب فضای سبز که از چاه‌ها برداشت می‌شود، ۲۲۰ میلیون مترمکعب است. در حال حاضر، مهم‌ترین کار کشوری که روی بحران آب در حال حرکت است، مدیریت آن است. از یک میلیارد مترمکعب آب مصرفی شهر تهران، ۷۰ درصد، قابل برگشت به چرخه مصرف است. اقدام برای این کار، باعث می‌شود که استفاده از چاه‌ها کم شود و درنهایت میزان فرونشست کاهش یابد. با مدیریت درست، نه تنها می‌توان از فرونشست جلوگیری کرد، بلکه می‌توان آورد بیشتری را برای توسعه زراعت چوب در جنوب تهران و توسعه فضای سبز شهری اختصاص داد. انجام این کار باعث بهبود اکوسیستم شهر تهران می‌شود. متأسفانه، بی‌ارادگی و بی‌علمی در کشور، آن را به شرایط کنونی رسانده است. کل آب شرب مصرفی کشور، ۵ میلیارد مترمکعب است. می‌توان تنها با اختصاص ۳۰ درصد (۱/۵ میلیارد مترمکعب) سهم بسزایی در توسعه زراعت چوب داشته باشیم.

بسته علمی تنها، با یک بار نشست علمی تهیه نمی‌شود، بلکه یک کار مداوم و جدی است. وقتی به‌طور دائم روی موضوع صحبت شود، تحول در دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و سایر مراکز علمی روی خواهد داد و هر بخشی خواهد توانست روی یک موضوع کار کند. مثلاً یک بخش روی باغ‌بذر، دیگری روی محاوط‌بذرگیری و سایر بخش‌ها نیز به همین ترتیب به موضوع وارد شده و گوشه‌ای از کار را می‌گیرند. وقتی یک بسته برنامه‌ای اولیه شروع به کار کند و به‌طور مداوم در حال کارکردن و مستندسازی باشد، حتماً دچار تحول خواهد شد و دستگاه‌ها را به سر منزل نهایی خواهد



رساند. بسته بعدی، بسته مالی است، دولتی‌ها همیشه به فکر ردیف بودجه هستند و ما در این بسته به مشاوران مالی بسیار قدرتمندی نیازمند هستیم. برای اینکه حمایت مالی را از بیرون جذب کنیم، پیگیری و مشاهده کردیم که چه ظرفیت‌هایی وجود دارد. در سازمان محیط زیست صندوقی در رابطه با محیط‌زیست و منابع طبیعی وجود دارد. این صندوق، مالیات سبز را از صنایع و معادن دریافت می‌کند. شوربختانه وجود برخی ارگان‌ها و صندوق‌ها در کشور، نه تنها موجب توسعه کشور نشده است، بلکه موجب فلج شدن و ابتر ماندن موضوع می‌شود، این اتفاق ناشی از نبود علم و اراده کافی است. صنایع دوستدار محیط‌زیست، مشتاقانه در رابطه با مسئولیت اجتماعی‌شان کمک می‌کردند، کمک‌های بزرگ آنها باید در قالب مالیات در صندوق قرار می‌گرفت ولی همکاری بین‌بخشی خیلی ضعیف است، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور پیشنهاد می‌کند به‌عنوان متولی این صندوق، کمک‌های مسئولیت اجتماعی صنایع و معادن را در قالب مالیات سبز دریافت کند و آن را هم‌سو با موضوعاتی چون زراعت چوب در کشور برنامه‌ریزی و هزینه نماید.

امروزه همه نقاط دنیا به مثابه یک اتوبان مالی با یکدیگر در ارتباط هستند، ولو اینکه، ارتباط دیپلماتیک خوبی نداشته باشند، در حمله روسیه به اوکراین علی‌رغم تحریم ناتو، این کشور راه‌های مالی دیگری را برمی‌گزیند، خود را ایزوله نمی‌کند، ما بر عکس عمل می‌کنیم. ۱۰۰ میلیارد تومان برای توافق‌نامه پاریس پیش‌بینی می‌شود، در این توافق‌نامه، دوکار انجام می‌شود، ۱- کاهش گازهای گلخانه‌ای از طریق به‌کارگیری فناوری و تکنولوژی و ۲- ترسیب کربن، ترسیب کربن جزو وظایف بخش جنگل است. اگر ما، راهبردی فکر کنیم، حتماً به شاخص‌های کمی خوبی خواهیم رسید. وقتی پشتوانه علمی قوی وجود داشته باشد، آن وقت نه تنها ۲۰۰ میلیارد تومان، بلکه رقم‌های بیش از این رقم دریافت خواهیم کرد. ما باید نسبت به هدایت کشورهای همسایه اهتمام بورزیم.

مثلاً شایسته است ایران نسبت به جنگل‌کاری در کشور افغانستان، اقدام کند، کشوری نظیر عربستان، اطلاعات چندانی در این خصوص ندارد. متأسفانه و شوربختانه به دلیل بی‌سیاستی و نداشتن تفکر بلندمدت، کشورهای همسایه بدون ما راه خودشان را می‌روند، اگر کشور ایران قدری ارتباطات دیپلماتیک خود را گسترش دهد، می‌تواند به جای اینکه از کشورهای همسایه خود، ناجوانمردانه از پشت خنجر بخورد، مسائل و چالش‌های خود و حتی کشورهای همسایه را نیز حل کند. سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور مهم‌ترین وظیفه حاکمیتی را بعد از امنیت در کشور به عهده دارد. بزرگ‌ترین وظیفه این سازمان، تأمین بسته مالی است. ردیف بودجه، تنها، باعث رتق و فتق امور جاری سازمان است. عملیات اجرایی در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور با بسته‌های مالی (گرفتن مالیات سبز از صنایع و معادن) انجام می‌شود، در دنیا، بخش خصوصی براساس سناریوی برد-برد وارد یک فعالیت اجرایی می‌شود. وقتی بسته مالی منسجمی داشته باشید، آن وقت است که همه افراد و نهادها و سازمان‌ها، در قالب شرکت‌های دانش بنیان، تولید قلمه و نهال، حفاظت و سایر موارد به کار گرفته می‌شوند. در این حالت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور فقط نقش ناظر و هدایت‌کننده را ایفا خواهد کرد. موضوع بذر و نهال در کشور، موضوعی بسیار جدی است. موضوع پایش در کشور، پاشنه آشیل توسعه پایدار است. سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور با حضور مدیران محترم ارشد باید با رویکرد راهبردی، بسته‌ها را مدیریت کند. نباید با روزمرگی به این بسته‌های راهبردی نگریده شود. تنها با یک حرکت راهبردی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، شهرداری‌های کشور می‌توانند هم‌سو با اهداف سازمان گام بردارند. یکی از کلیدی‌ترین بحث‌ها در کشور، موضوع احیا و توسعه جنگل است. این برنامه باید دارای یک ستاد قوی و متشکل از چندین کارگروه قوی و دائمی شکل بگیرد، تا بتواند امور را به نحو مطلوبی پیش ببرد. با وجود این بسته‌ها، شما می‌توانید یک کار منسجم و

مدون داشته باشید، آشفته کار کردن، نه تنها باعث باقیات و صالحاتی نمی‌شود، بلکه موجب تخریب بیشتر این سرزمین می‌شود.

طبیعت ایران

بحث و گفت‌و‌گوی بسیار خوبی بود، به نکات مهمی در مورد احیا و توسعه جنگل اشاره و راهکارهایی نیز ارائه شد، امیدواریم با توجه به اینکه در آستانه برنامه هفتم توسعه کشور هستیم، از این مباحث و نقطه‌نظرات استفاده شود و بتوانیم برنامه کاملی را برای احیا و توسعه جنگل‌های کشور ارائه و آن را اجرا کنیم. از همگی شما اندیشمندان گرامی که در این بحث شرکت کردید، سپاسگزارم.